

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند پیشنهاد کمیسیون را وره سفید خواهند داد (شروع باخذ آراء گردید آقای حاج میرزا رضاخان هده اوراق را بشماره ذیل احصاء نموده وره سفید علامت قبول (۳) وره آبی علامت رد (۴۶) بلا اسم سفید (۲) بلا اسم آبی (۱)

رئیس - راپورت کمیسیون ریشد یعنی تقاضای وزارت مالبه تصویب شد - دستور رورینجشنه دهم قانون اداره معارف - شور دوم در قانون شرکتهای تجاری - راجع بجزیره هرمز - دو فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع بنیابت سوم سفارت اسلامبول و آتسه سفارت لندن مخالفی هست .

هشتم حضور - يك تقاضائی بامضای (۴۰) نفر از نمایندگان راجع بورتبه عباسقلیخان مقتول شده بنده تقاضا میکند که جزه دستور آتیه شود .

رئیس - خیلی خوب اگر وقت باشد در اینباب هم مذاکره می کنیم دیگر مخالفی هست (مخالفی نبود)

رئیس از وزارت داخله نوشته اند که درباب روزنامه رسمی تکلیف رامعین نکرده اند چون سابقاً هم که تصویب کرده بودند ششماهه تصویب کرده بودند بهمین جهت هم چندی است که روزنامه رسمی طبع نمیشود خواهش کرده بودند که کمیسیون معارف متعقد شود راپورتی درباب روزنامه رسمی بنده که تکلیف وزارت داخله معلوم شود پنجشش مرتبه هم اعضاء کمیسیون معارف راخبر کرده و متعقد نشده است خواهش میکند فردا کمیسیون متعقد شود و هرچه زودتر راپورت بدهند آقای آقامیرزا احمد و آقای حاج امام جمعه تقاضا کرده اند کمیسیونی که برای امور آذربایجان معین شده بود راپورت خودشان رابدهند اگر آن کمیسیون مخبری معین کرده است راپورت آنرا بدهند .

از باب کیخسرو - بریروز آن هیئت بهیئت وزراء رفتند و بعد از مذاکرات هیئت وزراء مقرر داشتند که آقای سردار بهادر بدون درنگ بااستعداد بطرف آذربایجان حرکت کنند و جناب مسیوقفرم خان هم مأمور شدند که تدارک لازمه هم تهیه نمایند و حرکت کنند حکومت آنچراهم که بمهدیه فرمانفرما گذاشته بودند باز امروز که کمیسیون متعقد شده فرمانفرما هم در هیئت وزراء حاضر شدند و چند نفر هم از تجار آذربایجانی و چند نفر از وکلای محترم آذربایجان هم بودند قرار شد که بقاصله (۴۸) ساعت فرمان فرما حرکت کنند این است نتیجه اقدامات کمیسیون .

میرزا احمد - بنده دیروز خودم آنجا حضور داشتم ترتیبی که فرمودند صحیح است ولو باید دید که باین ترتیب عمل شده است یا نه دیروز تلگرافخانه بودم تلگرافی از سردار بهادر رسیده بود که از آن تلگراف معلوم میشد که اطلاعی بایشان داده نشده است که حرکت کنند اگر باین ترتیب باشد گمان میکنم که باین زودبها باعزام حکومت موفق نشوند بنده تقاضا میکنم از این کمیسیون و از اعضاء محترم کمیسیون که يك قدری همشان را زیاد میکنند وقتی که حرکت دادند و خبر حرکت آنها رابماداندن از ایشان تشکر میکنم .

حاج امام جمعه - از قراریکه از تبریز بر

میرسد کار تبریز خیلی سخت شده است و کار تبریز باینجا رسیده است که درودو فرسخی تبریز غلغموجود است ولیکن زن و بچه تبریزی از گرسنگی بیش رویش میمیرد و نگاه میکنند دو ماه است میگوئیم تبریز بکلی محاصره است دو ماه است میگویند حکومت باینجا اعزام میشود شاید دهدهمه خودبنده من غیر رسم باوزراء گفتگو کرده ام و باجاهای دیگر هم گفتگو کرده ام در تمام جاها بن گفته اند که امروز فردا قوه بانجا میفرستیم و حاکم آنجا رامیفرستیم ولیکن بدبختانه هم حرف شده است تصور میکنم اگر تا دهروز باینطور مسامحه شود بیش روی شما میگویم اگر بمسامحه بگردانید خیلی نادم ووشیمان میشوید و این تکلیف شاهاست که باید جدبکنید و فریاد بکنید حکماً حاکم آنجا رابفرستید ماهیچ حق نداریم بگوئیم دولت که فلان رابفرستید با فلان رانفرستید همینقدر عرض میکنم که باید حاکمی برای آذربایجان فرستاده شود و استعداد فرستاده شود آخر ما (آقا اگر انصاف بفرمائید) این مشروطه را از آذربایجان داریم همین ها که حالا از گرسنگی دارند میمیرند .

رئیس - عرض کردم همان کمیسیونی که معین شده است اگر لازم باشد فردا هم میروند با وزراء صحبت میکنند که حاکم و استعداد کافی هر چه زودتر بفرستد و همانطور که وزراء وعده کرده اند در (۴۸) ساعت حاکم آذربایجان حرکت کنند و استعداد هم فرستاده شود .

رئیس - آقای حاج شیخ الرئیس و جمعی از نمایندگان تقاضائی کرده اند خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای جلسه مخصوص فردا که چهار شنبه است سه ساعت بفرود مانده هیئت وزراء عظام بتالار تنفس احضار شود که عدم نمایندگان سئوالات فوری اساسی دارند .

رئیس - آقای حاج شیخ الرئیس توضیحی دارید بفرمائید .

حاج شیخ الرئیس - در این چند روز اخبار سامه خراش از بعضی حدود و ثنور میرسد و همه نمایندگان محترم مطلعند چون از حقایق امور اخلاص نداشتیم و آنطوریکه بایست مطیع نبودیم و از طرف وزراء خبر نداشتیم که بنا بر وظیفه مقرر رسمی خودشان چه اقدام کرده اند و چگونه خواهد شد امروز بنده تقاضا کردم و آقایان هم همراهی کردند که جلسه خصوصی باشد ولی بنده عرض میکنم اگر در جلسه ششوسی تعیین برای بنده حاصل شد بیک تکلیف دیگری دارم در مجلس علنی .

حاج عز الممالک - بنده باینطوریکه اینجا نوشته شده است جلسه خصوصی را باطل میدانم و مخالف هستم که فردا جلسه خصوصی باشد زیرا چه مطلبی است که باید ما از ملت پنهان کنیم ولی حرفی ندارم که فردا جلسه فوق العاده باشد و اینطالاب گفتگو بشود و علنی هر چه میخوانند صحبت بکنند (گفتند صحیح است)

رئیس - رأی میگیریم باین تقاضای حاج شیخ الرئیس آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد (مجلس معارف مغرب ختم شد)

جلسه ۳۱۶

صورت مشروح مجلس روز

پنجشنبه ۱۰ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۹
(رئیس آقای مومنین الملك ۳ ساعت قبل از غروب آفتاب بجای خود جاوس نمودند و پس از ده دقیقه مجلس رسماً افتتاح گردید .) صورت مجلس روز ۳ شنبه هشتم را آقای آقامیرزا ابراهیم خان قرائت نمودند)

غائبین جلسه قبل - آقایان آقا سید محمدباقر ادیب - حاج مصدق الممالک بدون اجازه - آقای زنجانی با اجازه - آقای میرزا علی اکبر خان دهغدا مریض - آقایان سلیمان میرزا ۲ ساعت و آقا میرزا ابراهیم قمی ۵۰ دقیقه - دکتر امیر خان ۴۰ دقیقه - طباطبائی - معزز الملك - شریف الملنء هربك نیم ساعت از حضور در وقت مقرر تأخیر نمودند .

حاج شیخ اسدالله - در باب اعتباریکه وزارت معارف بجهت انشای مدارس خواسته بود نوشته شده است بنده و آقای بهجت اصلاحی پیشنهاد کرده ایم و حال آنکه پیشنهاد بنده تقاضا بود که بکمیسیون برگردد اصلاح نبود .

رئیس - اصلاح میشود .

لواءالدوله - بنده در اظهاری که در خصوص حقوق درباری کردم عرض کردم که در کتابچه مقطوعات اسم اینها برده نشده و در این جا نوشته نشده است .

رئیس - همین قدر که مخالفت کردید مخالفت نوشته میشود جزئیات را که ننویسند .

ارباب کیخسرو - اینجا نوشته است که بنده عرض کرده ام مسیوقفرم خان خودشان بطرف آذربایجان خواهند رفت و حال آنکه آنطور عرض نکردم عرض کردم اردو در حرکت میکند و مسیوقفرم خان مأمور است که تهیه لوازمات اینجا را ببیند .

رئیس - دیگر ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد قانون اساسی معارف در شور دوم این قانون بعضی مواد رجوع شده بود بکمیسیون حالا راپورتش داده شده است ماده ۸ و ۱۰ - ۱۳ - ۱۴ - ۲۲ مذاکره میشود ماده ۸ (ماده هشت ببابت آئین قرائت شد)

ماده ۸ - مکاتب و مدارس بر دو قسم است رسمی و غیررسمی رسمی آن است که از طرف دولت دائر شده باشد غیر رسمی آن که بانی مخصوصی داشته باشد .

رئیس - مخالفی در این ماده هست (اظهاری نشد)

رئیس - آقایانیکه ماده ۸ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰ (ماده ۱۰ ببابت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۰ - کسیکه میخواند مدرسه افتتاح کند باید رعایت شرایط ذیل را بکند اول مدیر مدرسه کمتر از سی سال نباید داشته باشد ۲ - بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفاظت الصحه که از طرف وزارت مقرر شده است فراهم نماید ۳ - در مدارس ابتدائی مدیر باید دارای تصدیقنامه تحصیلات متوسطه و در مدارس متوسطه دارای تصدیقنامه تحصیلات عالی باشد ۴ - مدیر مدرسه باید معروف بدو عقیده

و اخلاق ذمیه نبوده مرتکب جنحه و جنایتی نشده باشد و معلمینی را هم که انتخاب میکنند باید معروف بسوء عادات نبوده هر کدام در فن خود تصدیق رسمی وزارت معارف را دارا باشد .

رئیس - مخالفی نیست .
ذکاء الملک - یک اصلاح مختصری نباشد که در این ماده بشود و آن این است که بجای هیارت (معروف بسوء عادات نبوده) بنویسند (علاوه بر شرایط مزبوره) هر کدام در فن خود تصدیق رسمی الی آخر .

رئیس - قسمت چهارم باین اصلاح مجدداً قرائت میشود (قسمت چهارم از ماده دهم با اصلاح ذیل خوانده شد)

۴ - مدیر مدرسه باید معروف بسوء عقیده و اخلاق و عادات ذمیه نبوده مرتکب جنحه و جنایتی نشده باشد و معلمینی را هم که انتخاب میکنند باید علاوه بر شرایط مزبوره هر کدام در فن خود تصدیق رسمی وزارت معارف را دارا باشند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست - رأی میگیریم (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۱۳ (ماده ۱۳ عبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - مدارسی که از اموال اوقاف دایر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحتی و ترتیب تعلیمات و امتحانات غیره ها تا آن اندازه که با غرض واقف موافقت میکند در تحت نظارت وزارت معارف است .

رئیس - در ماده ۱۳ مخالفی هست .
حاج سید ابراهیم - بعضی چیزها است که سکوت در آنها میشود یعنی در وقتنامه بسا میشود یک مطلبی را تصریح میکنند آن وقت احتراز موافقت آن واضح است اما در موافقی که وقتنامه در یک مطلبی ساکت است احتراز از موافقت با آن مشکل است پس خوب است نوشته شود که تا اندازه که با غرض واقف مخالفت نداشته باشد والا احتراز موافقت از مطالبی که سکوت عنه باشد خیلی مشکل است .

ذکاء الملک - ضرر ندارد نوشته شود تا اندازه که با غرض واقف مخالفت نداشته باشد .
حاج آقا - قانون ادارا با قافدا که نوشتیم خاطر آقایان هست که ماکله مدارس و موقوفات را در تحت نظر وزارت معارف و اوقاف قرار دادیم که در اوقاف بطوریکه واقف وقت کرده عرض واقف بود همانطور نظارت داشته باشد که بصرف خودش خرج بشود و بر حسب یک حکم کلی هم که در شرع مقرر شده است که (الاوقاف علی حسب ما یوقفها اهلها) همه مردم میدانند که در اوقاف باید بطوری رفتار کرد که با غرض واقف موافق باشد و در آنجا اینکه آقای حاج سید ابراهیم تصور کردند دچار اشکالات خواهد شد یک اصل مقرر هست که با اصول خیلی خوب میتوان احتراز کرد ترتیب جریان اوقاف را که مطابق با غرض واقف آنها باشد و میتوان مطابق آن اصول رفتار کرد و همچنین در نظریاتیکه وزارت معارف در عالم نظارت خودش دارد آن چیزی را که باید بنویسیم همین است که کمیسیون نوشته است که احتراز

موافقت را باید بکند و اگر بنویسیم عدم مخالفت این مخالفت دارد با آن چیزیکه سابقاً مانوسه ایم و اساساً غلط است بلکه باید قید شود که با غرض واقف باید موافقت داشته حالا از دو شق خارج نیست اگر در وقتنامه تصریح شده است که مطابق بان والا مطابق اصولیکه در شرح برای این قسم از موارد معین شده است رفتار میشود .

حاج سید ابراهیم - بنده مثالی میزنم برای اینکه واضح باشد و گمان این است که آقایان هم مخالف نباشند مثلا واقف وقف کرد یک ممالی را و گفت یک مقداری را در ده جلد کتاب ابتدائی بخرند بدهند بشاگردان و در آن زمان هم کتاب چاپ کردن معمول نبوده وقتی که معمول شد آمدند مخارج نوشتن آنرا دادند و هزار جلد ابتدائی طبع کردند حالا این طبع کتاب ابدأ در نظر واقف نبوده است و در خاطرش خطور کرده ولی مخالف با نیت واقف نیست پس همینقدر که مخالفت نداشته باشد کافی است بجهت اینکه در همین مورد البته بهتر است که قیمت یک جلد کتاب ده جلد کتاب چاپی بشود پس در این موردی که بنده بیان کردم که مخالف با آن نظریکه واقف داشته است نیست بجهت اینکه او کتاب چاپی ابدأ در نظرش نبوده است اما اگر احتراز موافقت را قید کردیم در این قسم از موارد اشکال خواهند شد .

حاج امام جمعه - این جایک قدری تصور میکنم که از مطلب دور رفتیم در ارفاق باید احتراز کرد موافقت واقف را عدم مخالفت مناط نیست مثالی را که آوردند در صورت دارد در یک صورت صحیح است و در صورت دیگر باطل است شخصی که یک مدسکی را وقت کرده است که از او کتاب قلمی بخرند اسکر بدانیم که مقصود او کتاب قلمی است و غیر قلمی را مقصود نداشته آن وقت غیر او را خریدن مخالف غرض او است و اگر احتراز کردیم که مقصود او این است که کتاب خریده شود ولی چون آنوقت چاپ نبوده از این جهت گفته است کتاب خطی خریده شود در این صورت اگر چاپ بخریم باز با مقصود او موافق بوده است پس عدم مخالفت مناط نیست موافقت شرط است و مراد از (الاوقاف علی حسب ما یوقفها او یوقفها اهلها) هم مستند الحدیث اهل فضل در اینجهاستند و میدانند که مقصود از این حدیث این است که همان فسی که واقف وقف کرده است همی بشود یعنی باید موافقت با غرض واقف احتراز بشود .

آقا شیخ رضا - در این مسئله مانند سایر امور واجب فقط آنچه لازم است عدم مخالفت است اما احتراز موافقت در هیچ واجبی از واجبات شاید نتوان احتراز کرد و شاید مراد آقای امام جمعه هم از موافقتی که فرمودند همان موافقت ظاهر است و در اینصورت هیچ منافاتی بین آنچه که آقای امام جمعه و حاج سید ابراهیم فرمودند نیست والا احتراز موافقت با واقع تصور میکنم هیچ ممکن نباشد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفته شد کافی است)
رئیس - اصلاحی آقای حاج سید ابراهیم پیشنهاد نموده خوانده میشود .
(اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۳ عدم مخالفت با واقف نوشته شود .
رئیس - کمیسیون قبول دارد ؟
ذکاء الملک - عرض کردم بنویسید تا اندازه که با غرض واقف مخالفت نداشته باشد .
رئیس - مجدداً با این اصلاح قرائت میشود (مجدداً قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۳ نوشته شود تا اندازه که با غرض واقف مخالفت نداشته باشد
رئیس - ماده - با این اصلاح قرائت می شود و رأی میگیریم (ماده ۱۳ با اصلاح ذیل مجدداً قرائت شد)
ماده ۱۳ - مدارسی که از اموال اوقاف دایر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحتی و ترتیب تعلیمات و امتحانات و غیره تا اندازه که با غرض واقف مخالفت نداشته باشد در تحت نظارت وزارت معارف است .

رئیس - آقایانیکه این ماده را با بنظوریکه اصلاح شد تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام کردند)

رئیس - تصویب شد از ۲۶ نفر نمایند ان حاضر ۳۴ نفر رأی دادند .

حاج آقا - بنده اینماده را بطوریکه راپورت نوشته شده است اختیار میکنم .
رئیس - ماده اولی پیشنهاد آقای حاج آقا خوانده میشود :

ماده ۱۳ با تبذیل جمله (با غرض واقف مخالفت نداشته باشد) بجمله (با غرض واقف موافقت کند) قرائت شد .
رئیس - آقایانی که ماده ۱۳ را باین ترتیب تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۱۴ (ماده چهاردهم بمضمون ذیل قرائت شد) :

ماده ۱۴ - وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر با اخلاق محصلین است ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس شود .

رئیس - مخالفی نیست ؟
ذکاء الملک - اینجا یک لغظی باید اضافه شود یعنی نوشته شود (کتبی را که مضر با اخلاق و دین محصلین است) لفظ دین باید اضافه شود .

رئیس - ماده ۱۴ باین اصلاح خوانده و رأی گرفته میشود (مجدداً ماده ۱۴ به مضمون ذیل قرائت شد) :

ماده ۱۴ - وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر با اخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس شود .
رئیس - در ماده ۱۴ همین ترتیبی که قرائت شد رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .
رئیس - تصویب شد ماده ۲۲ (ماده ۲۲ بمضمون ذیل خوانده شد) .
ماده ۲۲ - مخارج مکاتب دهکده نیز برعهده دولت و بموجب قانون از مالکین دهکده و اهالی دریافت خواهد شد .

رئیس - مخالفی نیست ؟

بجهت - در سابق هم بنده عرض کردم که در این ماده اشاره نشده است که همه قسم از مالکین و اهالی گرفته شود بایستی در خود اینماده قید شود والا ممکنست این وسیله شود برای مالکین که بر رعایا تحمیلی میکنند . خوب است مشروحاً نوشته شود که معلوم باشد .

ذکاء الملک - اینجا مخصوصاً این مسئله را ذکر کردیم برای آنکه - الا ما نبدانیم که دولت چه ترتیبی میخواهد اتخاذ کند در اخذ آن محل و محتاج بود که دولت مطالعه صحیحی در اینخصوص بکند و فعلاً دولت نمیخواهد که اقدام بکند به تأسیس این مدارس و اخذ مخارج آن باین جهت در اینجا همینقدر گفتیم که مدارسی که در دهات دایر میشود مخارج آن بعهده اهالی و مالکین است ولی برای ترتیب اخذ آن دولت باید قراری بدهد و بعد بمجلس پیشنهاد بکند و بموجب قانونی که باید در مجلس وضع بشود بگذرد دریافت دارند و در دهات مدارسی احداث بنمایند مخارج آنها را از خودشان بگیرد و مثل سایر مخارجی که از مردم بگیرد .

رئیس - مخالفی نیست رأی میگیریم بماده ۲۲ - آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد ماده ۸ را کمیسیون پیشنهاد کرده است که حذف شود (ماده هشت راپورت سا کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد) :
ماده ۸ - تمام اهالی مملکت ایران از هر طبقه و ملت حق تمتع از معارف عمومی دارند و در صورت عدم امکان اختلاط باید از طرف دولت برای هر طبقه تدارک مدرسه و مکتب جداگانه شده باشد .
رئیس - آقای حاج سید ابراهیم مخالفند .

حاج سید ابراهیم - توضیح بدهید چرا حذف بشود اگر متقاعد نشدم عرض خواهم کرد
ذکاء الملک - در وقتیک شور اول این قانون میشد بلکه در شور ثانی هم مشکلاتی از طرف نمایندگان اظهار شد و بعد در کمیسیون که ملاحظه کردیم دیدیم که واقفاً این مشکلات وارد است و ممکن است در مقام اجرای این ماده دولت دچار مشکلات و عسر جرحی بشود و ما هم که بموجب یک ماده از این قانون تعلیمات ابتدائی را اجباری کرده ایم دولت هم اسباب رسیدن باین مقصود فراهم میآورد بتدریج این چه قیدی است که اینجا می کنیم و اسباب اشکال از برای دولت فراهم میآوریم از این جهت کمیسیون آن را زائد دانست و پیشنهاد کرد که حذف شود .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده آقایانیکه میل دارند حذف شود رأی نخواهند داد (مجدداً ماده مزبوره قرائت شد) .
رئیس - آقایانیکه این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند (عده قبلی قیام کردند)
رئیس - تصویب شد .

ذکاء الملک - در آخر راپورت نوشته بودیم که توضیحی بر ماده اول اضافه شود بعد امروز در کمیسیون مذاکره شد و اینطور صلاح دانستند که عوض توضیح ماده الحاقیه بعنوان ماده ۱۷ بعد

از ماده ۱۶ نوشته شود (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده الحاقیه - ماده ۱۷ - پروگرام مکاتب و مدارس ابتدائی و متوسطه باید تعلیم واجبات ذیل را بقدر لزوم شامل باشد
رئیس - مخالفی نیست ؟
مشیر حضور - یکدفعه دیگر بخوانند (مجدداً قرائت شد)

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)
رئیس - رأی میگیریم باین ماده الحاقیه که ماده ۱۷ است آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد رأی در مواد تمام شد . مذاکره در کلیات است مخالفی هست (اظهاری نشد) .

رئیس - رأی میگیریم باین لایحه قانون موسوم بقانون اساسی معارف که مشتمل بر ۲۸ ماده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با اکثریت تصویب شد قانون شرکت های تجارتی - شور دوم است باینرأی میگیریم که داخل در شور دوم بشویم یا نشویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده اول (ماده اول بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱ - شرکت خصوصی عبارت از شرکتی استکه مابین چند نفر مشمول جامع و بلاحد منقسم میشود که بعنوان شرکتی تجارت نمایند .

رئیس - مخالفی هست ؟
حاج آقا - بنده هیچ نمی فهمم که قانون شرکتها قانون شرکتهای تجارتی است یا عموم شرکتها اگر شرکت عمومی است نمیدانم آنچه مناسبست اینجا نوشته شده است که بعنوان شرکتی تجارت نمایند غیر شاید بخواهند بعنوان فلاحات شرکت نمایند یا بعنوان صنعت از این جهت بنده این جمله را زائد میدانم تجارت چرا نوشته میشود این عبارت را بنده پیشنهاد میکنم که بجای آن نوشته شود بعنوان شرکتی عمل بکنند .

افتخار الواعظین - این از برای شرکتهای تجارتی است و از برای شرکت فلاحات اگر یک چند نفر بخواهند جمع شوند و شرکت فلاحتی بکنند قانون دیگری دارد مخصوصاً این شرکت منعقد می شود برای تجارت و بترتیبی که در کمیسیون صحبت شده است گویا مقنن هم که این قانون را پیشنهاد کرده است بعنوان شرکت تجارتی پیشنهاد کرده است و اما اینکه چرا بعنوان شرکت با مردم طرف میشوند برای این استکه بالای حجره شان بنویسند حکم شرکت متفق فلان و فلان آن وقت شرکت میکنند باسم شرکت طرف میشوند و این شرکت شرکت تجارتی است نه مطلق شرکت نیست .

حاج وکیل الرعایا - این عبارت در اینجا ناقص است بنویسند مابین (چند نفر مشمول جامع و بلاحد منعقد میشود که بعنوان شرکتی تجارت نمایند تقریباً مفهوم آن این است که خود شرکت باید مشمول تجارت نباشد نمیشود که خودشان داخل و مشمول نباشند در صورتیکه یک قسمتی هم از شرکتها هست که سرمایه خودشان میدهند ولی خودشان مشمول نیستند

و این چنین معلوم میکنم که این شرکت در وقتیکه بموجب این ماده صحیح استکه سرمایه دهندگان خودشان هم مشغول باشند و گمان میکنم که اگر مجلس لازم بداند در عوض این جمله نوشته شود که با آن سرمایه مشغول تجارت باشند .

معین الرعایا - چنانچه آقای مخیر گفتند مقصود از این قانون شرکت تجارتی است و اینکه گفتند چون شرکت سه قسم است شرکت خصوصی سهامی و مختلطه شرکت سهامی است فقط اینجا میخواهد شرکت خصوصی را دایر نماید و این ایرادی هم که آقای حاج وکیل الرعایا می کنند گویا وارد نباشد بجهت اینکه این شرکت منعقد میشود بین دو یا سه یا چهار نفر و خود این ماده به عقیده بنده خیلی بهتر است .

حاج آقا - بنده گمان میکنم که اشتباه کرده باشند آقایان و این قانون شرکتها مخصوص شرکتهای تجارتی نیست این قانونی است که برای کلیه شرکتها باین تقسیمی که گفته اند منعقد میشود چه شرکت قرار شده باشد برای فلاحات یا صناعت و تجارت و اگر کسی این قانون را مطالعه کرده باشد خوب میدانند که این قانون نوشته نشده است برای شرکت تجارتی و ابدأ بعنوان شرکت نوشته نشده است گمان میکنم که آقایان هم تصدیق داشته باشند از اینجهت بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود بعنوان تجارتی مشغول عمل بشوند و این قانون هم قانون شرکت تجارت است هم صناعت هم فلاحات ولی این دفع توهمی را که مخیر فرمودند نمیدانم راجع بکجا بود که بنده که عرض نکردم که این را شرکت چنان نوشته اند بنده گفتم این اختصاص تجارت باید برداشته شود والا معلوم است عنوانش بعنوان شرکت باید بکنند نه بعنوان دیگری .

افتخار الواعظین - بنده عرض کردم مقنن وقتی که پیشنهاد کرده است این قانون را مجلس و در تمام جلسات مذاکره شده است گفته اند که این قانون شرکتهای تجارتی است و مطلق شرکتهای قانون دیگری دارد که بعداً پیشنهاد مجلس مقدس خواهد شد این سه قسم چهار قسم شرکتی که نوشته شده است که شرکت مختلط و محدود و شرکت عمومی اینها از برای امور تجارتی است که منعقد میشود و ربطی بشرکت عمومی ندارد .

رئیس - دیگر مخالفی هست ؟
بجهت - بنده اعتقاد این است که در آنجا نوشته (بعنوان شرکت) برای اینکه اینجا شرکت خصوصی است و در شرکت خصوصی لازم نیست تجارت برای اینکهمکن است چند نفر اتفاق کنند آشنگری کنند زراعت کنند و همچنین انواع شرکت و زراعت ممکن است حاصل شود و تمام موادیکه بعد خواهد آمد شامل میشود شرکتهائی را که راجع میشود بصناعت و فلاحات و غیره و ممکن نیست که بواسطه اینصناف الله ما یک قانون دیگری بنویسیم باین جهت بنده اینرا تقاضا میکنم و اگر آقای مخیر قبول کنند بهتر است

آقا میرزا ابراهیم خان - بنده تقریباً این فرمایشاتیکه میشود راجع باینکه این قانون شرکت تجارتی نیست اینرا اجتهادی مقابل فعل میدانم مخصوصاً در مقدمه این قانون که یک براعت استهلالی هست نوشته شده است که قانون شرکت تجارتی و اینکه

آقای حاج وکیل الرمایا فرمایش میکنند شرکاء مجبور نیستند که داخل در شرکت باشند اینصدا هم ابدأ مجبور نمیکند که داخل تجارت باشند لکن میگوید که شرکاء یک مسئولیت بلاحدی دارند حفظ سرمایه و اعتبارات آنرا باید بنمایند حالا اگر در آن مسئولیتش فرمایشی داشته باشند اینجا جای گفتگو است .

حاج شیخ اسدالله اگر چه بنا فرمایشی که میفرماید این قانون بعنوان قانون شرکتهای تجاری پیشنهاد شده است و الا اینکه در اینجا ممکن است یک قدری تمیم بدهند و گمان میکنم در این موادی که به میآید منافی با اساس شرکت نیست مختص کردن شرکت تجاری لزومی ندارد موادی هم اگر بعد از این بیاید که آنها هم راجع به شرکت تجاری باشد آنها را هم میشود اصلاح کرد که این قانون مطلق قانون شرکتها باشد چه راجع به صنعتی چه بفلاحت بنا بر این ممکن است که چیزهای دیگر که راجع باین است اصلاً نشود ممکن است که بعضی از مواد که این لفظ تجاری یا چیزهای دیگر درش هست حذف شود و تمیم داده شود چه تجاری و چه غیر تجاری و اعم از هر صنعتی باشد .

افتخار الواعظین - اگر آقایان مواد بعد از مطالعه میفرمودند که شرکت تمام باید با مضافه وزارت تجارت و عدلیه و پنج نفر از تجار معتبر پرسد معلوم باشد که این قانون تجاری است و ابدأ قانون مطلق شرکتها نیست و آن هنوز قانونش نوشته نشده ولی اینجا یک اصلاح عبارتی است میخواستیم که عرض کنم اینکه نوشته شده است که بعنوان شرکعتی تجارت کنند (یا) زیادهای است بعنوان شرکت تجارت کنند .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است) دو فقره اصلاح پیشنهاد شده قرائت میشود اول از طرف آقای وحید الملک بعبارت ذیل خوانده شد بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول بجای (تجارت نمایند) نوشته شود (کسب و عمل یا معامله نمایند)

۲ - از طرف آقای بهجت خوانده شد بنده تقاضا میکنم که این عبارت از ماده اول که بعنوان شرکعتی تجارت نمایند

وحید الملک - بنده بنده اینجا تأیید میکنم فرمایش آقای حاج آقا را که شرکت اعم از آنکه تجاری یا غیر تجاری باشد ولی اینرا هم باید دانست کدر زبان خارجه شرکت تجاری خیلی دائره اش وسیعتر است از تجاریتیکه مادر زبان فارسی اطلاق می کنیم فرض بفرمائید صراف و بانک یک رشته از تجارت است در خارجه ولی ما آن را با اسم بانک یا صرافخانه مینامیم و جزو شرکت نمیگوئیم در صورتیکه صراف و بانک رشته بزرگی است از تجارت خارجه و دامنه تجارت در ایران خیلی محدود و تنگ است لهذا بنده با سه لفظ این را تمیم دادم که همه را شامل باشد (کسب) باشد کسب یکی از چیزهای معمولی داخله است و یکی لفظ (عمل) عمل هم برای صنایع و معادن میشود معامله برای صرافخانه و داد و ستد پولی لهذا اگر این لفظ را برداریم و بجای آن این سه لفظ را بگذاریم شامل تمام آن شعب که در خارجه است میشود و بهتر است .

رئیس - مخیر قبول میکنم .
ذکاء الملک - بهمان دلیلی که آقای وحید الملک فرمودند تجارت شامل تمام اینها میشود و لفظ تجارت بهتر است .
رئیس - رأی میکشیم بقابل توجه بودن این اصلاح آقای وحید الملک آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد بر میگردد بکسیون یعنی میماند برای روز دیگر (ماده ۱۲) ماده دو بعبارت ذیل قرائت شد

ماده ۲ - در شرکت خصوصی شرکاء شرعاً بطولاً ملزم میشوند که تاده برابر سرمایه مسئول جامع باشند باین معنی که هر گونه تعهد یا قرض بعنوان شرکت میشود در حدود ده برابر سرمایه حق داشته باشد از هر یک از شرکاء که بخواهند تمام طلب را مطالبه نماید بدیهی است شریک یا شرکاء که تعهد با قرض شرکت را ابقاه کرده اند حق دارند از سایرین هر یک علی قدر سهم که بر ذمه او است مطالبه نمایند .

رئیس - مخالفی هست
آقا محمد بروجردی - اینکه نوشته شده شرعاً بطور لازم ملزم میشوند این لفظ لازم را لازم ندارد همین قدر کافی است شرعاً ملزم می شوند .

امام جمعه - اینکه آقای آقا محمد گفتند راست است لکن چون التزام دو جور میشود یک وقت التزام را در ضمن عقد جائز می کنند آن وقت آن التزام هم جائز است ولی یکدهه التزام را در ضمن عقد لازم میکنند آن التزام لازم است و عقدهش هم لازم است اینجا خواسته است این را بگویند که التزامش باید بطور متلازم باشد نه بطور جواز **میرزا یانسی** - وقتی شرکت خصوصی باشد معنایش این است که وقتی آن شرکت ورشکست میشود هر کس در آن شرکت هست تا آخرین دینار بوجب قانون ورشکستگان هر قدر از او و شرکاء ممکن است تحصیل بشود باید بدهند بنده اینجانی دانم چرا کسیون تاده مقابل سرمایه معین کرده است مسئولیت شرکت خصوصی بلاحد است چرا تاده برابر محدود کرده است

افتخار الواعظین - یاد آوری می کنم که دو کلمه اینجا نوشته که مقصود از هر یک این دو کلمه یک چیزی است نوشته است مسئولیت جامع و بلاحد مسئولیت جامع را شرح داده است نسبت بده برابر سهم وقتی که شرکت میخواهد منقذ شود یکی یکی در ضمن عقد خارج ملزم میشوند که تاده برابر سرمایه اگر کسی از شرکت طلبکار باشد از هر کدام از ما مطالبه کرد دریافت نماید باندازه ده برابر سرمایه مسئولیتشان مسئولیت جامع است که طلبکار از فرد فرد می تواند مطالبه نماید ولی اگر یک وقتی شرکت آمد و باندازه ۲۰ مقابل قرض شد آن وقت چه باید کرد باید باندازه ده مقابل را اینها ملزم شده اند و از هر یک آنها می تواند مطالبه می کند و می گیرد و باقی را هر کدام از شرکاء باندازه سهمشان باید تادیه نمایند ولی ما از هر کدام باندازه سهم قسنتشان میتواند مطالبه کند

کاشف - این جوابی که آقای مخیر دادند ابدأ متفاده نمیکند در مقابل آن ماده یک نوشته شده است شرکت جامع و بلاحد وقتی که شرکت جامع نوشته شود آن وقت نمی تواند بگوید بلاحد است و بلاحد نیست پس مقصود از این قانون این است که کسانی که با اسم شرکت یک کسب میکنند همیشه افراد آن شرکاء مسئول باشند و در مقابل مردم یعنی همیشه بواسطه مسئولیت خودشان کمال مواظبت داشته باشند و سرمایه محفوظ باشد پس هیچ وقت نمیتوان گفت که شرکت بلاحد است و جامع است و بنده ابدأ این ماده دوم را باین ترتیب موافق با ماده اول نمیدانم و باید تغییر داده شود .

حاج وکیل الرعایا - مقصود از این ماده استحکام مرکز است که در این مملکت شعبه میخواهیم بشود و تحدید کند اشخاص را که پولشان داخل در یک شرکتی است با احتیاط رفتار میکنند که یک ده یکی یا صدی پنج یا صدی ده چنانچه در جاهای دیگر رسم است یک وجهی از سرمایه خودشان را داخل آن شرکت میکنند بگردش بیندازند که اگر یک وقتی یک ضرری هم برای آن شرکت پیش آمد بتوانند از سایر سرمایه خودشان آن را بدهند از برای این شرکت تهیه کنند گمان میکنم که در مملکت ما هم خوب است این ترتیب بعد از این قانونی باشد که مردم بدانند که یک قسمت مالشان آنجا هست و هر اندازه از مالیکه پیش آنها می رود محل اطمینان هست .

افتخار الواعظین - ماده چهارم را اگر آقایان مطالعه بفرمایند گویا رقم این معظورات خواهد شد و بنده خواهش میکنم که مواد این قانون را ملاحظه بکنند بجهت اینکه بعضی از مواد ممکن است بعضی معظوراتیکه در بعضی مواد دیگر بنظرمان میآید رفع کند .

میرزا یانسی - توضیحی که آقای مخیر دادند بنده را متفاده نکرد شرکاء دو جور است یکیش باحد یکیش بی حد بی حد وقتی شرکت میشود اینست که چند نفر جمع میشوند مثل اینکه یک نفر معامله را میکنند مثل همان معامله است اگر یک شخص واحدی که خودش دارای صد هزار تومان است ده هزار تومان در یک کاسبی مخصوص میگذارد اگر از آن معامله ده هزار تومانی صد هزار تومان جزء مطالبات جمع بشود این حق ندارد که بگوید من از دارائی خودم این قرض را نخواهم داد تا دینار آخر از بابت آن معامله داده شود و آن مقروض حق ندارد میگوید من از اموال ده هزار تومان در این محل مخصوص گذاشتم باید تمام صد هزار تومان را بدهد و اینها هم که جمع میشوند به همین عنوان تجارت میکنند و نتیجه این خواهد شد که این اشخاص جمعاً و فرداً مسئول این قروض خواهند شد تمام مسئول آن شرکت میشوند از جمعیان مطالبه طلب از شرکت را کرد از خودشان هم میشود بهر کجا دست آن صاحب طلب برسد میتواند مطالبه طلب خود را بکند از اینکه رد شدیم یک تجارت معدودی است که بقدریک آکسیون مسئول است یکی در مقابل آکسیون محدود است مثل این بانک شاهنشاهی در مقابل آکسیون که میخرد باندازه

آن مسئول است لکن هست دو مقابل سه مقابل ده مقابل صد مقابل اینجا یک جوری شده است که حد ما بین شرکت های محدود و غیر محدود را گرفته است و این صحیح نیست بنده عرض میکنم که باید اینها درست از هم جدا شوند بنده هیچ حرف ندارم که شرکت محدود باید بشود برای اینکه شرکت خصوصی در هیچ ملکیتی ترقی نکرده است و شرکت محدود است که میتواند یک مرکز بجهت کار مخصوصی درست کند ولی باید قانون را درست نوشت و اینها را از همدیگر سوا کرده معلوم بشود .

حاج امام جمعه - گمان میکنم که با زدر اینجا قدری اشتباه بشود مسئولیت محدود نیست همان طور که نماینده محترم گفت فرضاً شرکت را هر کدام تا آخر دینار باید از دارائی خودشان بدهند محدودیت در مسئولیت نیست محدودیت در جامعیت است مقصود این است که طلب کار اگر بخواهد طلب خودش را از هر یک تا ده مقابل آن سرمایه شرکت طلبکار حق دارد از هر یکی مطالبه و دریافت بکند و او برود از دیگران مطالبه و دریافت بکند ولی اگر از ده مقابل گذشت باز مسئولند و باید بدهند منتهی این جامعیت می رود هر کس باید حقه خودش را بدهد همان طوری که مخیر محترم گفت در ماده چهارم میگوید جامعیت محدود است علاوه از آنکه غیر از این ممکن نمیشود اگر غیر از این باشد که آن جامعیت را محدود بکنند و اینطور شرکت اصلاً ممکن نیست در این مملکت منقذ بشود بجهت اینکه من نمیدانم تا کجا از او مطالبه خواهیم کرد و تا کجا مسئول است .

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟

وحید الملک - خیر مذاکرات کافی نیست
رئیس - ده دقیقه تنفس داده میشود (پس از بیست دقیقه مجدداً جلسه تشکیل شد)

وحید الملک - بنده میخواستیم عرض کنم بنده تا دو چیز را در این ماده ندانم نمیتوانم این ماده را بفهمم یکی آن که اولاً سرمایه یک شرکت محدود از اول معین هست یا خیر دوم آن که دولت حق تجسس و تفتیش در دفاتر شرکتها دارد یا خیر اگر این مسئله را بفهمم آن وقت میتوانم رأی بدهم ولی بنا بر اطلاعاتی که خود بنده دارم در شرکت های خصوصی سرمایه معین نمیشود سرمایه شرکت های خصوصی اعتباری است که اعضا آن شرکت دارند قرض بفرمائید ۲۰ نفر زید و عمرو اینها داخل یک شرکتی میشوند از برای معامله تجاری و اینها مجبور نیستند که در بدو امر سرمایه برای خودشان معین کنند ولی ۲۰ دارای یک سرمایه مختصری هستند لکن استوارشان را برای اهمیت افکار روی هم میگذارند هر چه هست اعتبارشان داخل آن معامله و کسب میشوند دولت هم آنها را مجبور نمیکند که شما یک سرمایه معین بکنید و بآن سرمایه تجارت نکنید دیگر آن که در وقت معامله دفاتر شرکتها را دولت نمیتواند تجسس بکند و وصل کرد آنها را تجسس بکند نه راجع بضرر نه راجع بنفع آنها پس اگر سرمایه اینها از اول معین نباشد و دفاتر آنها تحت تفتیش و تجسس دولت نیاید آن وقت معنی این ماده یکلی لغو است و این ماده صحیح نیست پس بنده توضیح

از مخیر محترم میخواهم که بفرمایند این معنی رعایت شده است یا نه همینطور نوشته اند .

افتخار الواعظین - همان شکلی که فرمودند ما در شرکت خصوصی نکفتیم که یک اندازه سرمایه شرکاء باید معین باشد هیچ همچو چیزی نکفتیم توجه فرمودند ما نکفتیم که سرمایه این کار ۱۰۰ تومان باند همچو چیزی برای تعیین سرمایه نوشته نشده است و حدی معین نشده است و بدولت هم حق داده نشده است که برود نفع و ضرر آنها را تفتیش بکند چون اینها اشخاصی هستند که خودشان را معرفی میکنند نام شرکت و بعنوان شرکت با مردم طرف میشوند و بالای حجره شان مینویسند شرکت مینویسند شرکت محمد حسین و شرکاء چون با مردم شرکاء معامله کرده اند از برای آنکه قوق مردم را فراهم بکنند و در معاملاتشان زیاد قرض نکنند و یک وقتی مردم خبر شوند به بنده مردم چیزی ندارند یادارائی شرکت آن قدرها نیست برای اطمینان مردم آمده ایم اینها را مسئول جامع قرار داده ایم که هر کدام مسئول دیگری است یعنی هر کسی هر مقدار طلب کار شد از شرکت میتواند از فرد فرد آنها طلب خودش را مطالبه کند و او ملزم باشد که بدهد و نگوید بروید از سایرین مطالبه بکنید و از این قرض یک سهمی بین می رسد و چون مسئولیت جامع در شرع مطهر مادامی که اندازه قرض و دین معین نشده باشد جائز نیست یعنی شما نمیتوانید بروید بازار و یک ناجری بگوئید که هر قدر جنس دادی بفلان کس من مقروض تو هستم و بر ذمه شما باشد همچو چیزی ممکن نیست این شکل ضمانت در شرع جائز نیست برای اینکه بتوانند مسئول جامع بکنند بکند بشوند گفته ایم که قرض آنها اگر مقابل ده برابر سرمایه باشد آنجا میتواند مقابل ده برابر سرمایه از خود شرکاء مطالبه نماید شاید منتهی اگر ده برابر را کم میدانند ممکن است که ما بگوئیم که بیست برابر صد برابر سرمایه ولی باید اندازه قرض معین باشد که اینها فرد فرد وقتی که قرض دیگری را بر ذمه میگیرند میدانند چه اندازه بر ذمه میگیرند تا در شرع عنوان داشته باشد و شرعیت داشته ولی اگر از آن اندازه خارج شد مسئولیت جامع ندارند و لی مسئولیت بلاحد دارند که باید با مزاد ده مقابل را بدهند ولی هر کدام باید باندازه سهم خودشان بدهند این که مسئله است مسئله مسئولیت جامع نسبت بده مقابل یا ۲۰ مقابل مسئولیت بلاحد در مقابل هر مقدار از قرضی که از برای شرکت حاصل بشود .

وحید الملک - بنده اینجا یا بنده نتوانستم آن نقطه نظر خودم را توضیح بدهم یا نتوانستم توضیحات مخیر را درست تلفظ شوم از یک طرف میفرمایند سرمایه معلوم نمیشود و معین نمیشود از یک طرف میفرمایند که تا ده برابر یک سرمایه نام معلوم میرا شرکاء فرد فرد ملزم هستند کدر برابر قروض شرکت بدهند بنده نمیدانم اگر سرمایه نام معلوم باشد چطور میشود که اشخاص را مقروض دانست تاده مقابل سرمایه نام معین این یک چیز فوق العاده میشود بنده عرض کردم در اینگونه شرکت های خصوصی سرمایه اول معین نمیشود بیشتر سرمایه اینگونه شرکت ها اعتبار اشخاصی است

که داخل شرکت میشوند فرصت کفایت زید و عمروی داخل شرکت میشوند اینها هر کدام یک سرمایه دارند و یک اعتباری دارند میخواهند اعتبارشان را هم هر یک اول اعتبار دیگری گذارند تأسیس شرکتی کنند آن وقت متفقاً داخل تجارت بشوند سرمایه شرکت و اعتبار خودشان را رو به هم میگذارند و مشغول شرکت میشوند در حالیکه هر یک ده هزار تومان نقد سرمایه گذارند آنکه بیست هزار تومان سرمایه موجودی شرکت است لکن هر کدام صد هزار دو صد هزار تومان اعتبار دارند آنرا هم روی هم گذاشته داخل شرکت شده اند آن وقت اعتبار اینها هم اعتبار شرکت میشود دولت هم نمیتواند بآنها بگوید یک سرمایه برای شرکت معین نکند لکن اعتبار این شرکت متلا شده است سیصد هزار تومان و آنها در مقابل ده هزار تومان سرمایه شرکت که کسی نمیدانند و مجهول است میآیند مبالغه گوش سرد را می برند آن وقت دولت هم حق ندارد بنا بر این قانون که تفتیش میکند در دفاتر آنها یک مرتبه که طلب کارها آمدند و مطالبه پولشان را کردند آیا تکلیفشان چیست سرمایه هر دو هزار هزار تومان یا بیست هزار تومان است و سیصد هزار تومان مال مردم را گرفته اند و در اینجا میگویند که اینصدا مقابل سرمایه شرکت باید ملزم شوند که قرض شرکت را بدهند ولی این چطور میشود اولاً سرمایه شان معلوم نیست ثانیاً اگر هم معلوم بشود اینها جولو اعتبار آنها را نمیگیرند اینها باعتبار شخصی کار میکنند و مال مردم را گرفته اند و آن وقت چطور این ماده جلوگیری خواهد کرد .

افتخار الواعظین - آقای وحید الملک اشتباه کرده اند بنده عرض کردم ما شرکت را محدود نمیکنیم یعنی نمیگوئیم در شرکت خصوصی سرمایه چقدر باشد لکن یکی از مواد شرکت خصوصی این است که سرمایه شرکت خصوصی معین باشد میگوید شرایط تشکیل شرکت خصوصی از قرار ذیل است اولاً مبلغ سرمایه و اگر یک قسمتی از آن جنس است تعیین قیمت آن بران اینکه بقول ایشان نروند یا ده هزار تومان سیصد هزار تومان کلاه مردم را بردارند دیگر آنکه در شرع اسلام شرکت باعتبار تشکیل نمیشود شرکت در اسلام این است که هر یک از شرکاء مبلغی مال آورند و مخلوط بمال دیگری نمایند مادامیکه سرمایه مخلوط و مزوج نشده شرکت اطلاق نمیشود .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفته کافی است)

رئیس - رأی میکشیم بماده که آقایانیکه تصویب میکنند ماده دوم را بطریقی که قرائت شد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده است سوم را کسیون پیشنهاد میکنند که حذف شود .

حاج شیخ اسدالله - اگر بخواهند حذف کنند بنده مخالفم .

رئیس - اگر رضایده باقی باشد باید شما اختیار بکنید و کتباً پیشنهاد کنید .
افتخار الواعظین - آ ماده سوم را که کسیون پیشنهاد حذف آنرا کرده بجهت این بود که ماده دوم جاری ماده سوم بود باین جهت رأی بعطف داده شد .

حاج شیخ اسدالله - در ماده سوم چیزی دارد که اینجا ندارد عقیده من اینست که همان ماده سبی که رأی بعطف داده اند باید باشد و بنده اختیار میکنم و باید باشد در ماده سوم همینوسه هر يك از طلب كاران شركت ميتوانند طلب خود را با مبلغ پنج برابر سرمايه از هر يك از شركه مطالبه نمايد و هر گاه از سه برابر اضافه باشد اضافه و از تمامی شركه بحسب سهم آنان در شركت مطالبه خواهد كرد اين مطلب خیلی لازم است مطابق آن فرمایشاتيكه در این باب شده است ولی در این ماده منویسه ده برابر و موقوف میکند با نمانده نظر بسئولیت جامع بلاحد و خودش تصریح میکند سئولیت جامع بلاحد و او چون در این ماده تصریح کرده است سئولیت جامع بلاحد را عقیده بنده اینست که آن ماده نوشته شود یعنی باقی باشد و خیلی لازم می دانم سكه در این باب مذاکره شود .

رئیس همان مطالبی را که میفرمائید در ماده دوم هست دیگر مغالطی نیست (اظهاری نشد) ماده سوم خوانده میشود (سبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - نظر بسئولیت بلاحد در صورتیکه فروض شركت بیش از دارائی شركت شود فاضل آن باید از دارائی شركه داده شود .

رئیس مغالطی هست (اظهاری نشد) **رئیس** رأی میگیرم بنده سوم که سابقاً ماده چهارم بوده آقایانیکه تصویب میکنند بطوریکه قرائت شد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم خوانده می شود . **ماده ۴** - اسم شركت باید متضمن اسامی شركه باشد یا اینکه لاقال اسم یکی از آنها یا لفظ کبایانی در عقب آن ذکر شود .

افتخار الواعظین - اسم و عنوان شركت نوشته شود . **رئیس** - دیگر مغالطی در این ماده نیست رأی میگیرم بنده چهارم با این اصلاح آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم . **ماده ۵** - شركت نامه باید بنده شركه نوشته شده و بهر يك از آنها نسخه داده شود .

میرزا یانیس - بنده يك پیشنهادی میکنم که هر يك نسخه با مضامین نام شركه برسد و بهر يك يك نسخه داده شود . **حاج آقا** - شركت نامه معنیش این است که با مضامین شركه برسد و از این جهت دیگر قید با مضامین شركه برسد لازم نیست همان لفظ شركت نامه کافی است .

رئیس - دیگر مغالطی نیست آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد ماده پنجم . **ماده ۵** - شركت نامه باید بنده شركه نوشته شده و بهر يك از آنها نسخه داده شود .

حاج آقا - شركت نامه معنیش این است که با مضامین شركه برسد و از این جهت دیگر قید با مضامین شركه برسد لازم نیست همان لفظ شركت نامه کافی است . **رئیس** - تصویب شد ماده پنجم .

ماده ۶ - شركت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق در صورت وقوع تنازع و تراض شركتنامه مصدق بیشتر و بهتر از شركتنامه غیر مصدق است دلائل بر احداث شركت و ثبوت شرایط آن خواهد نمود

آقا سید حسین اردبیلی - این ماده بنظر بنده ماده نیست که قانونیت داشته باشد . خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که برای چه نوشته شده است **افتخار الواعظین** - برای این است که اکثر حرص داشته باشند که شركت نامه خودشان را مصدق نمایند تا اینکه در موقع تنازع و تراض بهتر حاضر باشند برای رسیدگی به تراض و تنازع آنها و شركتنامه مصدق بهتر دلائل میکند بر احداث شركت و ثبوت شرایط و اگر مواد بعداً كد در باب مصدق کردن شركت نامه نوشته اند ملاحظه فرمایند تصدیق خواهید فرمود که این ماده لازم است .

حاج آقا - بنده عقیده ام اینست که این ماده بلكی راجع این قانون نیست يك ماده است راجع بقانون ثبت اسناد و در آنجا هم نوشته شده است که برای اثبات سند هست چیزی که هست ما باید بنویسیم شركت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق برای احكام بعد تصدیق شركت نامه مصدق را بنویسیم و الا حكمش در قانون ثبت اسناد نوشته شده است هیچ ربطی باین قانون ندارد .

معین الرعايا - این حقیقت يك ماده است که میرساند که مردم حتی الامكان تشویق بشوند که شركت نامه های خودشان را مصدق نمایند . **حاج سید ابراهیم** - بله اینجا خیلی خوب است برای تشویق ولی این جا نوشته اند ،

که این شركت نامه مصدق بیشتر و بهتر دلائل دارد این مناسبت ندارد مگر اینکه بنویسیم شركت نامه مصدق در ادارات رسمی برسمیت شناخته میشود این هیچ ضرری هم ندارد

معین الرعايا - بنده میخواهم عرض کنم هیچ نمی توان انکار کرد که چیزی که با مضامین دولت برسد معتبر تر خواهد بود بطور ممکن است آنكار بكنیم سكه شركت نامه مصدق یا غیر مصدق فرق دارد و یکی است

افتخار الواعظین - اینجا اشاره شده است در باب مراسم در ولایات مابین تجارت والا حكومت كسیسیون نظری دارد که بنظر حكومت باشد بجهت اینکه تا چندین سال دیگر معلوم نیست که از برای

رئیس - رأی میگیرم بنده هفت آقایانی که ماده هفت را تصویب می کنند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده هشتم خوانده می شود . **ماده ۸** - برای مصدق کردن شركتنامه شركه باید شخصاً در محضر وزارت تجارت و وزیر عدلیه حاضر شده فقره مسطوره در ماده ۷ و ۸ را اظهار دارند پس از آن شركتنامه باید بهر وامضای وزارت تجارت و وزارت عدلیه و لاقال ۵ نفر از تجار معتبر رسیده در دفتر وزارتین مزبور متن ثبت شود و تمام این ترتیبات باید در متن شركتنامه قید شده بهر وامضای وزارت تجارت و یکی از حكام شرع برسد

رئیس - لفظ در محضر وزارت تجارت حذف میشود در وزارت تجارت و وزارت عدلیه **حاج آقا** - چون ماده هفت شاید حذف بنده لازم میدانم اینجا نوشته شود شركت مصدق است یا غیر مصدق آن وقت تفصیل و شرح مصدق را بنویسید والا این بی تناسب خواهد شد

رئیس - چون بعضی از مواد رجوع خواهد شد بکسیسیون دور نیست بعضی پیشنهاد میکنند در این ماده هم اگر تا آخر شور پیشنهاد نشد آن وقت می تواند پیشنهاد بکنند و رأی بگیرم

میرزا ابراهیم خان - بنده بنا بر اینکه ماده هشت تکیه میکند بنده هفت می خواهم تقاضا بکنم که آن جمله اولی ماده هشت بجای ماده هفت نوشته شود که بگوئیم شركتنامه یا مصدق است یا غیر مصدق پس از آن ماده ۸ نوشته شود

رئیس - گویا مذاکرات کافی است اصلاحی از طرف آقای ذكاء الملك رسیده است خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم این عبارت در اول ماده هشتم اضافه شود شركت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق .

افتخار الواعظین - آن ماده که تصویب نشد شاید در کمیسیون تجدید نظری بشود و نوشتن بعضی جملات اخیر مادرا لازم بداند پس خوب است حالا در خود ماده هشت مذاکره شود تا راپورت ماده هفت بیاید

رئیس - رأی میگیرم با اصلاح آقای ذكاه - الملك آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - قابل توجه شد ماده نهم

ماده ۹ - در ولایات همین ترتیب معمول خواهد بود الا اینکه در باب مراسم راجعه بوزارت تجارت (مابین تجارت) اگر باشد والا (بحكومت محلی) و در باب مراسم راجعه بوزارت عدلیه (مابین عدلیه) رجوع میشود ولی دو نسخه مصدق باید با اهتمامات شركه بوزارت تجارت و وزارت عدلیه فرستاده شود و حاكم نیز مكلف است که سواد مصدق ارسال دارد که بوزارتین تجارت و عدلیه داده شود

افتخار الواعظین - اینجا اشاره شده است در باب مراسم در ولایات مابین تجارت والا حكومت كسیسیون نظری دارد که بنظر حكومت باشد بجهت اینکه تا چندین سال دیگر معلوم نیست که از برای

امانه تجارت اگر هم باشند بگذر مضبوطی باشد ولی حكام ثابت تر هستند و يك دفتر مثبت مرتبی در کابینه حكام هست که اسناد بهتر ضبط و ثبت میشود این است که باید نوشته شود حكومت و امین تجارت اگر باشد والا خود حكومت

حاج عز الممالك - در این ماده می نویسد در ولایات همین ترتیب معمول خواهد بود آن ماده هشت که رفت بکسیسیون معلوم نیست چه قسم راپورت داده میشود پس در اینجا لازم است نوشته شود بترتیب ماده ۸ معمول خواهد بود والا اینطور ابهام دارد صحیح نیست

افتخار الواعظین - ضرر ندارد نوشته شود در ولایات همان ترتیب ماده ۸ معمول خواهد بود الا اینکه نوشته شود ترتیب ماده قبل **رئیس** - ماده نهم میباید تا اصلاح حاج عز الممالك برسد .

افتخار الواعظین - بنده قبول کردم **محمد هاشم میرزا** - ماده قبل صحیح نیست نوشته شود ماده ۸ **رئیس** - رأی میگیرم بنده نهم با این اصلاح مختصر آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دهم **ماده ۱۰** - شركت نامه غیر مصدق باید در طهران دونه از آن یکی بوزارت عدلیه و دیگری بوزارت تجارت داده شود در ولایات يك نسخه در دفتر حكومت ضبط و دو نسخه دیگر برای وزارتین تجارت و عدلیه فرستاده شود .

حاج شیخ الرئیس - عوض طهران بنویسید پایتخت . **رئیس** - دیگر مغالطی نیست رأی میگیرم بنده دهم با تبدیل لفظ طهران بپای تخت آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱ **ماده ۱۱** - شركت نامه چه مصدق چه غیر مصدق باید مطابق قانون ثبت اسناد آن را بآن تبر الصاق شود .

حاج شیخ اسدالله - در قانون ثبت اسناد هیچ اجباری در خصوص ثبت و الصاق تبر نبود این جا می نویسد که باید تبر بشود اگر باید بشود آن وقت مطابق قانون ثبت اسناد نیست و اگر باید را بردارند مطابق قانون ثبت اسناد است

افتخار الواعظین - اینجا الصاق تبر اجباری است ولی آن بچه ترتیب است و از روی چه میزان تبر الصاق میشود و حقوق گرفته میشود مطابق میزانی است که در ثبت اسناد معین شده است از برای شركتها هم مطابق آن قانون باید تبر الصاق شود و خود الصاق تبر در شركت نامهها اجباری است بچكم قانون باید تبر الصاق شود

حاج شیخ اسدالله - پس آن فقره اولی که می نویسد مطابق قانون ثبت اسناد باید حذف شود بنویسد که مطابق قانون ثبت اسناد الصاق تبر شود دیگر مطابق قانون ثبت اسناد این جا زیادی است بجهت اینکه عدم مجبورت را میرساند (مجدداً ماده قرائت شد)

حاج عز الممالك - بنده مسألت نمیشوم که این لفظ چرا باید اینجا نوشته شود اگر مجبور میگردیم که شركت نامه باید تبر شود آن وقت دیگر بهیچ وجه فرقی بین شركت نامه نبود و فقط مصدق یا غیر مصدق بودن را بوجوب ماده ۸ که حالا به ترتیب دیگر پیشنهاد خواهد شد فرق نداشتیم آن وقت باید مصدق را بگوئیم حتماً باید تبر الصاق شود یعنی مصدق وقتی میشد که بتبر برسد و غیر مصدق آن بود که بتبر نرسد .

افتخار الواعظین - بنده یاد آوری می کنم آقایان را که این نکته را در تمام مسواد از نظر محو بفرمایند این قانون نوشته نمیشود برای حفظ حقوق شركه این قانون نوشته میشود برای حفظ حقوق اشخاصی که با آنها طرف معامله می شوند و این جا ما میگوئیم که تبر الصاق شود برای این که بپرند در اداره ثبت اسناد و عدلیه ثبت بشود ببینند که چه شرایطی نوشته اند امروز يك شرایطی در شركت نامههاشان می نویسد و آن را بر روزنامهجات اعلان میکنند مردم می بینند شرایط خوبی است موافق آن شرایط با آنها و با این شركت طرف معامله بشوند آن وقت ممکن است در صورتی که در اداره ثبت نکرده باشند آن شرایط تغییر بکند یعنی اگر ببینند مردم شركت نامه را ببینند که شرایط آن غیر از آن شرایط خوبی است که در روزنامهجات اعلان کرده اند باین جهت این جا میگوئیم که باید تبر الصاق شود از برای اینکه آن شركت نامه که نوشته میشود رسمی باشد و نتوانند موادش را تغییر بدهند مطابق موادی که بعد می آید در آن شركت نامه که دویمی باید تبر الصاق شود که رسمیت پیدا کند .

رئیس - مذاکرات کافی است دو فقره اصلاح هست که قرائت میشود (از طرف آقا میرزا ابراهیم خان) شركت نامه چه مصدق و غیر مصدق باید تبر بآن تصدیق شود حقوق تبر مطابق ترفه قانون ثبت اسناد در یافت خواهد شد (از طرف حاج شیخ اسدالله)

موافق ترفه قانون ثبت اسناد بشركت نامه مصدق و یا غیر مصدق باید تبر الصاق شود **رئیس** - آقای مخبر چه میفرمایند **افتخار الواعظین** - پیشنهاد حاج شیخ اسدالله همین ماده است منتهی باینکه تقدم و تأخر عبارتی و آن بهتر است بنده قبول دارم .

رئیس - رأی میگیرم بنده ۱۱ با این اصلاحی که آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهاد کردند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد ماده ۱۲ خواننده می شود .

ماده ۱۲ - شركت نامه ام از اینکه مصدق یا غیر مصدق باشد باید در يك روزنامه مركز شركت اعلان شود اگر مركز غیر از طهران هست علاوه بر روزنامه فوق باید در یکی از روزنامهجات تهران هم اعلان شود در صورتیکه شركت شعبات متعدده داشته باشد شركت نامه باید در روزنامه هر شهری که تبعه آن هست اعلان شود در جا هائیکه روز

نامه نسبت باطلاع حكومت در پنج معبر مختلف شركت نامه بطور اعلان نصب شود . **حاج شیخ اسدالله** - يك عبارتی که فدری پس و ریش نوشته شده در مركز شركت در يك روز نامه باید اعلان شود این طور نوشته شود بهتر است .

حاج شیخ الرئیس - لفظ طهران را هم پایتخت بنویسید . **معین الرعايا** - طهران عیبی ندارد قاون اساسی هم طهران نوشته است **حاج سید ابراهیم** - بنده با حذف لفظ طهران مخالفم و عرض میکنم از هر جت ما مورات خودمانرا باید ملاحظه کنیم که مطابق قانون اساسی نوشته شود که اساس قوانین ما است در آنجا يك ملاحظه کرده است که پایتخت مملکت ما طهران است ما باید همان حكم را منظور بداریم مادامی که آن اصل فسخ نشده است پس تبدیل لفظ طهران بی پایتخت هیچ جهت ندارد .

رئیس - رأی میگیرم بنده ۱۲ بترتیبی که در آن نوشته شده است آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد ماده ۱۳ خواننده میشود **ماده ۱۳** - حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن غدنغ و ممنوع است مگر آنکه تمام شركه عده الفاظ حك و اصلاح و تراشیده و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند والا شركت نامه از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده ۶ و ماده ۱۰ شده باشد بدیهی است که پس از اجرای مراسم مزبوره همه حك و اصلاحی که شده باشد ولو اینکه در حاشیه تصدیق بشود آن شركت نامه بلكی از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - اینجا بنده ۱۰ و ۹ منوط است باینکه ماده هشت اصلاح شود و تصویب شود اگر ماده هشت حذف شد این ماده هشت ۹ خواهد شد مغالطی هست (اظهاری نشد) **رئیس** - آقایانی که این ماده را بطور که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نامه نسبت باطلاع حكومت در پنج معبر مختلف شركت نامه بطور اعلان نصب شود . **حاج شیخ اسدالله** - يك عبارتی که فدری پس و ریش نوشته شده در مركز شركت در يك روز نامه باید اعلان شود این طور نوشته شود بهتر است .

حاج شیخ الرئیس - لفظ طهران را هم پایتخت بنویسید . **معین الرعايا** - طهران عیبی ندارد قاون اساسی هم طهران نوشته است **حاج سید ابراهیم** - بنده با حذف لفظ طهران مخالفم و عرض میکنم از هر جت ما مورات خودمانرا باید ملاحظه کنیم که مطابق قانون اساسی نوشته شود که اساس قوانین ما است در آنجا يك ملاحظه کرده است که پایتخت مملکت ما طهران است ما باید همان حكم را منظور بداریم مادامی که آن اصل فسخ نشده است پس تبدیل لفظ طهران بی پایتخت هیچ جهت ندارد .

رئیس - رأی میگیرم بنده ۱۲ بترتیبی که در آن نوشته شده است آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد ماده ۱۳ خواننده میشود **ماده ۱۳** - حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن غدنغ و ممنوع است مگر آنکه تمام شركه عده الفاظ حك و اصلاح و تراشیده و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند والا شركت نامه از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده ۶ و ماده ۱۰ شده باشد بدیهی است که پس از اجرای مراسم مزبوره همه حك و اصلاحی که شده باشد ولو اینکه در حاشیه تصدیق بشود آن شركت نامه بلكی از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - اینجا بنده ۱۰ و ۹ منوط است باینکه ماده هشت اصلاح شود و تصویب شود اگر ماده هشت حذف شد این ماده هشت ۹ خواهد شد مغالطی هست (اظهاری نشد) **رئیس** - آقایانی که این ماده را بطور که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳ خواننده میشود **ماده ۱۳** - حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن غدنغ و ممنوع است مگر آنکه تمام شركه عده الفاظ حك و اصلاح و تراشیده و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند والا شركت نامه از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده ۶ و ماده ۱۰ شده باشد بدیهی است که پس از اجرای مراسم مزبوره همه حك و اصلاحی که شده باشد ولو اینکه در حاشیه تصدیق بشود آن شركت نامه بلكی از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - اینجا بنده ۱۰ و ۹ منوط است باینکه ماده هشت اصلاح شود و تصویب شود اگر ماده هشت حذف شد این ماده هشت ۹ خواهد شد مغالطی هست (اظهاری نشد) **رئیس** - آقایانی که این ماده را بطور که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳ خواننده میشود **ماده ۱۳** - حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن غدنغ و ممنوع است مگر آنکه تمام شركه عده الفاظ حك و اصلاح و تراشیده و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند والا شركت نامه از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده ۶ و ماده ۱۰ شده باشد بدیهی است که پس از اجرای مراسم مزبوره همه حك و اصلاحی که شده باشد ولو اینکه در حاشیه تصدیق بشود آن شركت نامه بلكی از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳ خواننده میشود **ماده ۱۳** - حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن غدنغ و ممنوع است مگر آنکه تمام شركه عده الفاظ حك و اصلاح و تراشیده و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند والا شركت نامه از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده ۶ و ماده ۱۰ شده باشد بدیهی است که پس از اجرای مراسم مزبوره همه حك و اصلاحی که شده باشد ولو اینکه در حاشیه تصدیق بشود آن شركت نامه بلكی از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳ خواننده میشود **ماده ۱۳** - حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن غدنغ و ممنوع است مگر آنکه تمام شركه عده الفاظ حك و اصلاح و تراشیده و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند والا شركت نامه از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده ۶ و ماده ۱۰ شده باشد بدیهی است که پس از اجرای مراسم مزبوره همه حك و اصلاحی که شده باشد ولو اینکه در حاشیه تصدیق بشود آن شركت نامه بلكی از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳ خواننده میشود **ماده ۱۳** - حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن غدنغ و ممنوع است مگر آنکه تمام شركه عده الفاظ حك و اصلاح و تراشیده و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند والا شركت نامه از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده ۶ و ماده ۱۰ شده باشد بدیهی است که پس از اجرای مراسم مزبوره همه حك و اصلاحی که شده باشد ولو اینکه در حاشیه تصدیق بشود آن شركت نامه بلكی از درجه اعتبار ساقط است

بقره بنده بهتر است که بنویسم خاک قرمز و تن را بنویسم بیخ من و ده من و شلینگ را بنویسم بیخ - شامی یاده شامی بنده نمیدانم این طور چه ضرر دارد .

رئیس - پیشنهاد بکنید رای بگیریم .

افتخار الواعظین - بنده برای استحضار خاطر آقای لواء الدوله عرض میکنم که این خاک قرمز معنی است که وقتی که خرید و فروش میشود تلفظ با ب و مشرتی همین تن است و شلینگ و معمولی خودشان است و در نزد هر دو معلوم است که آن چقدر خاک است و این چقدر پول است .

هشترودی - مختصراً عرض کنم بنده آنچه را که آقای حاج امام جمعه فرمودند درست ملتفت نشدم که بطور شده است ولی این شرطی که اینجا نوشته شده است لابد مجهول میکند آن خاک موجودی را چون نوشته است دولت متعهد میشود از هر مقدار خاکی که علاوه بر ۱۳ هزار تن آکسید دوفر موجودی حاج معین التجار که دولت ایتنا کرده و مبلغ بیست و چهار هزار لیره در ازای ۱۱۲۹۴ تن وجه قیمت آن بمعزی البه حواله شده از این معلوم میشود که این ۱۳ هزار تن موجودی او است که دولت ایتنا کرده است و مبلغ فلان هم دولت حواله کرده است و دیگر بنویسد مشروط بر اینکه اگر خاک موجودی که ایتنا کرده کمتر از ۱۳ هزار تن باشد قیمت کسر ۱۳ هزار تن را که قیمت هر تن ۴۲ شلینگ و نیم است بدولت علیه بپردازد این شرط یقیناً آن ۱۳ هزار تن را که در آنجا نوشته شده است مجهول میکند چون این شرط بر میخورد بآن ۱۳ هزار تن خاک موجودی آنوقت چون دوطرفش را نوشته است که اگر زیاد شد فلا و اگر کم شد فلان معلوم میشود نه دولت نه حاج معین التجار زیاد و کمش را تفهیمه اند نه این طرف و نه آن طرف اگر هر دو طرف کم و زیادی او را تفهیمه اند آنوقت این عبارت غلط بود بقرینه بنده ۱۳ هزار تن را تفهیمه اند این قرار را کرده اند این شرط ۱۳ هزار تن را مجهول کرده است و بقرینه بنده باطل است و بیعش صحیح نیست .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است) اصلاحی از طرف آقای مدرس اصلاح عبارتی است قرائت میشود (عبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که هوش حق مطالبه قیمت علاوه را ندارد نوشته شود مطالبه نخواهد کرد .

رئیس - آقای مدرس توضیحی میدادید بفرمائید **آقای مدرس -** این جامه سه سر تا بیامه معلوم است در حقیقت که معامله کلی است این چشمه معامله کلی با این شخص تاجر شده است یک جنس هم در بین دارند اگر کم آمده بمانی را باید بدهد اگر زیاد آمد در قانون نوشته نباید بگیرد و ما باید اینجا بنویسیم حق مطالبه ندارد و ما اینجا نمیتوانیم بنویسیم مطالبه نخواهد کرد نه اینکه حشش نباشد فرض آقای مخبر هم گویا واضح باشد .

رئیس - که کسیون چه میگوید .
مخبر - قبول دارم .
رئیس - ماده دوم بنا اصلاح آقای مدرس قرائت میشود و رای میگیریم (مجدداً ماده دوم با ضافه مطالبه نخواهد کرد قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم بنده دوم آقایانیکه ماده دوم را بپزیرید قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شده ماده ۲ بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده ۳ - حاج معین التجار ملتزم است که بقیه قیمت خاک خریداری مستر آستریک را بعد از وضع ۱۳ هزار تن تا اقسائی امت قرارداد مستر آستریک بدولت کارسازی دارد و در صورت ترساندن اقساط مقرر دولت قادر بر فرسخ اینقرار داد خواهد بود .

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)
رئیس - رای میگیریم بنده سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - با اکثریت تصویب شده ماده ۴ (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - اگر تا انتضاء امت قرار داد دولت بامستر آستریک که ۵ سال اول باشد حاج معین التجار - اضافه بر ۳۰ هزار تن که در این مدت بامستر آستریک فروخته شده بامستر آستریک دیگری بفروشد معادل صدی ۷۵ باید قیمت آنرا بدولت حکار سازی دارد .

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)
رئیس - رای میگیریم بنده چهارم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - با اکثریت تصویب شده ماده ۵ (ماده ۵ بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - پس از انتضاء امت قرار داد آستریک هر مقدار خاکیکه از جزیره مزبور استخراج شود مقرر صدی ۷۵ آن حق دولت است و صدی ۲۵ از بابت مصارف و حق الزحمه بجای معین التجار تعلق خواهد گرفت .

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)
رئیس - رای میگیریم بنده ۵ بترتیب قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شده ماده ۶
مخبر - راپورت دوم را بخوانید ماده ۲ (ماده دو بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - که ماده دوم راپورت سابق بوده است قرارداد لازم بر طبق مواد فوق فیما بین وزارت فوائد عامه و آقای حاج معین التجار نخستین مبادله میگردد و **رئیس -** مخالفی هست .

حاج آقا - این ماده را زیاد از زیاد میدانم فقط این یک معامله ای است بین دولت و آقای حاج معین التجار این زیاد است لازم نیست .

افتخار الواعظین - البته برای تعیین مدت و شرایط و چیزهای دیگر لازم است که این معامله نخستین بشود که با وزارت معارف مبادله شود

رئیس - رای میگیریم بنده ۶ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - با اکثریت تصویب شده ماده ۷ (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - تمام معاملاتی که حاجی معین التجار در مدت ده سال در خصوص خاک قرمز آکسید دوفر با هر کس بنماید با اطلاع دولت باشد .

رئیس - آنچه راپورت دوم نوشته اند راجع باین ماده است .
مخبر - این خودش یک ماده علیحده است و بعنوان ماده ۸ است .
رئیس - بپزیرید بپزیرید قرائت میشود رای میگیریم (مجدداً ماده ۷ قرائت شد)

رئیس - مخالفی هست .
حاج شیخ الرئیس - بنده باین ماده کمال موافقت را دارم ولی میخواستم بدانم مقصود از دولت و زراه است یا همان وزارت فوائد عامه است این را خواهش میکنم آقای مخبر توضیح بدهند .

افتخار الواعظین - معلوم است مراد از دولت هیئت دولت که تحقیقات نخواهند کرد اینکار راجع است بوزارت فوائد عامه برای اینکه دولت بداند که چقدر از فروخته است استفاده بکند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست - رای میگیریم بنده ۷ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شده ماده ۸ از راپورت ثانوی (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - اگر حاج معین التجار در مدت ده سال بیش از آن مقدار خاک که بمصرف فروش میرسد استخراجی و ذخیره نماید متعلق بدولت خواهد بود .

رئیس - مخالفی هست .
آقا شیخ علی شیرازی - بنده مخالفم بواسطه اینکه حاج معین التجار صدی ۷۵ را میدهد یا میدهد لابد صدی ۷۵ را بدولت میدهد علاوه بر این در ماده ۷ نوشته است که بیع و شراوی او با اطلاع دولت است هر قدر ذخیره میکند صدی ۷۵ بدهد چه ضرر دارد .

افتخار الواعظین - شاید یک وقتی حاج معین التجار آمد و فریب دوست خروار آنجا خاک انبار کرد و نفروخت چون ما قرار دادیم با حاجی معین التجار که اگر انبار کرد چون بدولت اجازه نمیدهد او مباشر آن خاک است که در سال اول هر اندازه خاکی که استخراج کرد و فروخت در ۵ سال اول صدی ۱۵ بر دارد و در ۵ سال دیگر صدی ۲۰ بردارد اگر درین این ده سال علاوه بر خاکی که فروخت قریب صد هزار تن خاک دیگر در آورد در آخر سال که دولت میخواهد آن انبار را از او بگیرد نکوید من تمام آنرا در آورده ام یک ربع این خاک هم مال منست یا هر وقت شما این را بفروشید صدی ۲۵ او مال من است خاکی که بیرون میآورد میفرودد چون یک مصرف معینی دارد و مشتری معینی دارد دولت میخواهد محدود کند حاج معین التجار را اگر زیاد از مقدار معینی که فروش دارد بر دارد بفروشد و هر قدر فروخت - دارد اگر ذخیره کرد در روز آخر هر چه قدر که ذخیره کرده است متعلق بدولت است و حاج معین التجار دیگر ادعائی نمیتواند بکند .

حاج سید ابراهیم - کسیکه این پیشنهاد را کرده است مقصودش این بوده است که این خاک قرمز مصرف معینی دارد زیاد بر او مصرف نمیشود باین جهت ممکنست دیگری بفرد و انبار بکند و بنده پیشنهاد کرده ام که نوشته شود بقدری که مصرف استعمال دارد

بجهت - بالکلیه بنده مخالفم باین ماده برای اینکه ضرر دولت است و میفرمایند این یک مصرفه - معینی دارد یعنی چه مصرف معین - این خاک حمل میشود با زوارا مصارف زیادی هم دارد اگر یک مشتری حالا دارد شاید مشتری های دیگری هم پیدا بکنیم مانی توانیم پیش بینی بکنیم در این ده سال باین همه تجدیدی که در عالم تمدن پیدا میشود این چه ضرری است که بدولت میزنیم ما نمیتوانیم بگوئیم که حاج معین التجار ذخیره میکند و ذخیره هم در خاک ایران باشد و دزدی هم در او نباشد چون اگر دزدی میکند بالکلیه این قرار داد باطل است و کلیه معدن متعلق بدولت است و از این ترتیب تصور میکنم هیچ ضرری هم بمانند نشود و این یک جلوگیری است از معدن و اینکه میفرمایند یک مشتری معین و مصارف معینه دارد این خلاف است ممکنست به مشتریهای متعدده فروخته شود و مصارف زیادی پیدا میکند لهذا این یک تغییری است در مقابل یک منافی که ممکن است برای دولت در آتی بشود حالا اگر بخواهد حاج معین التجار این قرار را معمول بدارد مصابح قرار دادی که شده است این یک منتهی دیگری است و الا اگر در خود معدن در هبل انباری صکه هست ذخیره بکند هیچ ضرری نباید دولت نخواهد شد .

افتخار الواعظین - اینجا ما جنو فروش خاک را نکرده ایم و فروش خاک را محدود نکرده ایم گفته ایم بپهر اندازه خاکی که بمصرف فروش رسد حاج معین التجار بفروشد ولی از آقا سؤال میکنم که در آخر ده سال که دولت میخواهد معدن را از حاج معین التجار بگیرد و یک مقدار خاکی که آنجا موجود است و بمصرف فروش هم نرسیده است آیا میخواهد بگوئید که حاج معین التجار آنجا حق داشته باشد یا نباید داشته باشد کمیسیون نظریش باینست که مادام که بفروش نرسیده و حق نداشته باشد اگر بفروش رسد حق داشته باشد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است .
وزیر امور خارجه - بنده گمان میکنم خوب است نوشته شود که اگر حاج معین التجار بعد از ده سال آن مقدار خاکی که بفروش میرسد بیش از آن مقدار خاکی که بمصرف میرسد استخراج کرد آن زیادتی متعلق بدولت خواهد بود .

رئیس - در این باب اصلاحی از طرف آقای حاج سید ابراهیم رسیده است .
حاج سید ابراهیم - بند بعد از توضیحات آقای وزیر امور خارجه مسترد میکنم .

رئیس - اصلاح آقای وزیر امور خارجه قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که بیش از آن مقدار خاکی که بمصرف میرسد ذخیره کرد متعلق بدولت خواهد بود .
رئیس - کمیسیون چه میگوید .

مخبر - قبول دارم .
حاج شیخ الرئیس - اینطوریکه آقای وزیر امور خارجه توضیح دادند خیلی خوب است بنویسید متعلق بدولت خواهد بود و بجای معین التجار هم حق استخراج داده نمیشود چون ممکن است بدولت

متعلق هم باشد و اوهم مطالبه یک حق میکند .
رئیس - دوباره ماده ۸ قرائت میشود . (مجدداً با اصلاح وزیر امور خارجه ماده ۸ قرائت میشود)

رئیس - رای میگیریم بنده ۸ به ترتیبی که خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد .
رئیس - رای میگیریم بنده هشتم به ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

آقا شیخ غلامحسین - بنده باین چیزی که اسمش را قرارداد گذاشته اند مخالفت دارم و مخالف بنده نه از این رو است که باید تاجر محترم ایرانی میخواهند یک قرارداد بدهند و برای دولت یک کاری بکنند بلکه مخالفت من از این رو است که با ما موافقت با ما من اینجاکه وضع قوانین بکنیم و وزرای محترم ما موافقت کنند با اجرای آن مانعند که قوانین مجلس را هم مثل فرمانها و دستخط ها و ابلاغهای صدر اعظم های دوره استبداد فرض کرده یک روز وضع کرده و یک روز نسخ کنیم و بوقع اجرا نگذاریم مخالفت بنده از جهت عدم اجرای آن قوانین و منافع این لایحه با آنها است و الا از آن جهت نیست که یک نفر تاجر ایرانی یک مساعدتی بشود و یک انتفاعی ببرد .

حاج آقا - اگر چه آقا فرمودند که مخالفت با کدام قانون داشت لیکن شاید نظر شما مخالفت با همان ماده قانون محاسبات عمومی بود که اینجا ذکر شد ولی کراراً اینجا صحبت و گفتگو میشود و جواب هم داده میشود و خوب است آقایان توجه بکنند قانون محاسبات عمومی یک ماده جعل کرده که معاملاتی که دولت میخواهد بکند بطور مازاد باشد البته هر معامله که امروز دولت میخواهد بکند تمام اعضای مجلس و وزراء همراه هستند که این معامله باید بطور مازاد باشد همان طوری که آنجا مقرر شده است ولی این مطلب نه امروز بلکه مدت ها است که گفتگو شده است و نمایندگان محترم متذکر هستند که این یک معامله نیست که امروز دولت میخواهد با یک تاجر ایرانی بکند بلکه یک فصل خصومتی است که مابین دولت و یک نفر تاجر ایرانی ترتیب واقع شده است و آنها اقدامش از طرف مرحوم صنایع الدوله شده است که خیلی سعی کردند در دفع و فصل این خصومت و این بهترین ترتیبی بود که داده شد بجهت اینکه این شخص ادعائی بر دولت دارد و یک فرمان یا فرامینی در دست یک نفر تاجر ایرانی است و آن شخص ادعائی بر دولت داشته که دولت در آن فرمان بعضی نظریات داشت و مفهومی از آن میگرفته است و آن شخص که صاحب فرمان بود یک جور دیگر مفهوم میگرفت و یک طور دیگر تعبیر میکرد دیدند این که اسباب منازعه و مناقشه میشود اگر آقایان خوب غور بکنند این ماده قانون محاسبات عمومی ماده ای است که بطور خوبی میشود او را تفهیم که دیگر واضح باشد و تکرار نشود که معامله نیست که باید بطور مازاد گذاشته

شود البته هیئت دولت بعد از اینکه بخواهد در مقام معاکه و رفع تنازع حقوق آن کمیته ذیحق است محفوظ بماند صرف دولت باشد یا غیر دولت با اینک هیئت حاکمه بنشینند و معاکه بکنند و بطور حکومت حکم بکنند یا هیئت دولت در این معنی معکوم بشود یا طرف معکوم بشود یا اینکه اگر بخواهند یک ضوری باصلاح بگذارند لابد باید راضی بی ترتیبی باشند هیئت دولت هم بعد از آنکه اقدام کرد و از طرف خودش مأمور کمرب که مأمور قانونی است معین کردد تفهیمند خرج استخراج اینطور نیست آنوقت نشنند و با حاج معین التجار یک چنین قراردادی کردند بنده خودم تصور میکنم حاج معین التجار که این را قبول کرد و با اینکه مخارج استخراج آن را با آن استمدادیکه دولت داشت با اینکه اسباب و ادوات استخراج مال حاج معین التجار بوده اقدام کرد و از قرارداد صدی ۴ - خرجش شد و او صدی ۲۰ قبول میکند و باو داده شده است و این نه از نقطه نظر منافع است بلکه از نقطه نظر اینست که تصور نشود که حاج معین التجار طرف مغضوبت دولت واقع شده و علاقه جات و املاکش که در سرحدات و بناها است و بنیاد باین نظریات خسارتی بر او وارد بشود از این جهت خوب است آن علاقه جات خود را حفظ کند و الا تصور نمیکند که یک نفر تاجر باینکه خود دولت با اسباب و ادوات او اقدام میکند صدی ۲۴

خرج میکند باز از نقطه نظر منافع صدی ۲۰ قبول میکند این را باید از یک نقطه نظر دیگر دیدنه از نقطه نظر منافع و سعی کن تغییر از نقطه نظر منافع هم بگیریم که صدی ۱۵ و صدی ده هم اگر کسی حاضر باشد اقدام بکند و منافع دولت هم بیشتر و بهتر باشد ولی این از نقطه نظر مزایده نیست که دولت بدهد بلکه این یک فصل خصومتی است بین حاج معین التجار و دولت که آن فرامینی که او دارد او بکطور تعبیر میکند و هیئت دولت بعضی دیگر بکطور دیگر .
آقا شیخ حسین اردبیلی - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکند که اینجا میخواهند اند یک فصل خصومتی بشود لیکن طریق این فصل خصومت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصومت در داخله را داخل شده باشد برپهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند استاد و اسکاکی دادند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نتوانستیم این بواسطه یک ماده حق او را ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ناو داده میشود باید حق او باورسد بله اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را نهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره او شده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

شود البته هیئت دولت بعد از اینکه بخواهد در مقام معاکه و رفع تنازع حقوق آن کمیته ذیحق است محفوظ بماند صرف دولت باشد یا غیر دولت با اینک هیئت حاکمه بنشینند و معاکه بکنند و بطور حکومت حکم بکنند یا هیئت دولت در این معنی معکوم بشود یا طرف معکوم بشود یا اینکه اگر بخواهند یک ضوری باصلاح بگذارند لابد باید راضی بی ترتیبی باشند هیئت دولت هم بعد از آنکه اقدام کرد و از طرف خودش مأمور کمرب که مأمور قانونی است معین کردد تفهیمند خرج استخراج اینطور نیست آنوقت نشنند و با حاج معین التجار یک چنین قراردادی کردند بنده خودم تصور میکنم حاج معین التجار که این را قبول کرد و با اینکه مخارج استخراج آن را با آن استمدادیکه دولت داشت با اینکه اسباب و ادوات استخراج مال حاج معین التجار بوده اقدام کرد و از قرارداد صدی ۴ - خرجش شد و او صدی ۲۰ قبول میکند و باو داده شده است و این نه از نقطه نظر منافع است بلکه از نقطه نظر اینست که تصور نشود که حاج معین التجار طرف مغضوبت دولت واقع شده و علاقه جات و املاکش که در سرحدات و بناها است و بنیاد باین نظریات خسارتی بر او وارد بشود از این جهت خوب است آن علاقه جات خود را حفظ کند و الا تصور نمیکند که یک نفر تاجر باینکه خود دولت با اسباب و ادوات او اقدام میکند صدی ۲۴

دعوی این را میکرد است با دلائلی که در دست داشته بحق خودش نرسیده و این مخالفت از دو نقطه نظر است که در این لایحه می شود نه اینکه تنها نقطه نظر این است که رعایت یک قانون بدون مجلس نشده باشد که راجع بقانون محاسبات عمومی باشد بلکه یک نقطه نظر دیگر هم هست که این یک معامله ای است که دولت میکند با یکی از اتباع خودش و در این خصوص هم یک قانونی از مجلس گذشته است و اگر یک جهات علاوه هم در نظر بوده است میتوانستیم در همان وقتی که آن قوانین را در نظر میگرفتیم آنجهت را هم در نظر گرفته باشیم و جزء آن قوانین که وضع کرده ایم از مجلس میگذرانیم ماده ۲۴ جوزا یک اختیاراتی دادیم بخزانه دار کل و این هم لابد در تحت یکی از آن مواد است و باید بنظر او هم برسد و این لایحه با آن ترتیب مخالفت دارد مگر در صورتیکه این ترتیب را در موقع وضع آن قانون در نظر میگرفتیم و جزء آن قانون وضع میکردیم و حالا داشته و اگر این شکایت را در نظر گرفته بود حالا میتوانستیم وارد این لایحه بشویم که هم رعایت قانون محاسبات عمومی - ده بودوم رعایت آقانون ۲۴ جوزا که اختیاراتی بخزانه دار کل دادیم .

دکتر علی خان - با این مذاکرات زیادی که شده است و با این گفتگوها تصور نمیگردد که در این آخر کار این اندازه ضدیت بشود باید واقعاً خیال کرد که میخواهیم یک مطلبی بگذرد یا اینکه واقعاً ضدیت میکنیم که نگذرد از این مذاکراتی که اینجا میشود مقصود اینست که نگذرد و بنده گمان میکنم این مذاکرات جا نداشته باشد بجهت اینکه کسرا را از طرف هیئت دولت و کمیسیون اظهار شده است که این یک مطلب مخصوصی است و شرایط مخصوصی دارد و مثل سایر معاملات نیست و وقتیکه این یک معامله مخصوص و چیز بخصوص شد البته باید نمایندگان هم یک نظر مخصوصی در این داشته باشند و اینجا بطور اشاره و کنایه آنچه باید گفته بشود گفته شد و اکثر نمایندگان را متقاعد کرد و بنده گمان میکنم که این خصوصاً زیاد در این مذاکره لازم نباشد و رأی گرفته شود.

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی می دانند (گفته شد کافی است).

رئیس - رأی میگیریم این پیشنهادی که از طرف هیئت دولت شده و مشتمل است بر هشت ماده آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد (اوراق رأی اخذ و آقای حاجی میرزا رضا خان بطریق ذیل احصاء نمودند ورقه سفید ۳۴ ورقه کبود ۱۴)

رئیس - با اکثریت ۳۴ رأی از ۶۶ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد - آقای ادیب التجار از هیئت وزراء استیضاحی کرده بودند خوب است روزش را معین کنید که چه روز برای جواب حاضر خواهد شد .

وزیر داخله - عنیده آقای رئیس الوزراه اینستکه حالا جواب داده شود ولی چون راجع به چند وزارتخانه است باید کتباً جواب بدهیم و روزش را هم معین میکنیم و اطلاع بدهیم .

رئیس - یک استیضاحی هم از طرف آقای حاج سید ابراهیم رسیده است قرائت میشود (بمبارت ذیل خوانده شد).

مقام منبع دار شورای - این بنده از هیئت وزراء در خصوص تعیین و اعزام پیشکار مالی جدید اصفهان و فارس استیضاح دارم از مقام ریاست متوقع که زودتر بوزراه اخبار فرمائید که در این جلسات ممدوده که از دوره اجلاسیه مجلس باقی است حاضر جواب شوند .

رئیس - وقت این را هم برای همان روز معین میکنند .

وزیر داخله - ۰۰۰ خارجه - بله بله معین میکنیم میفرستیم

رئیس - راپورت کمیسیون بودجه راجع بنیابت سیم سفارت اسلامبول خوانده میشود لایحه وزارت امور خارجه راجع بموقوف نیابت سوم سفارت کبری اسلامبول مطرح گردیده و وزارت امور خارجه تقاضا نموده بودند مقرری این خدمت بطور استثناء از بودجه وزارت امور خارجه از مجلس گذشته و نایب سوم بطور فوریت بطرف اسلامبول حرکت کند پس از مذاکرات لازم چون وجود نیابت در اسلامبول لازم است کمیسیون بودجه با اکثریت تصویب مینماید مبلغ نود تومان ماهیانه حقوق و تفاوت خرج نیابت سوم سفارت کبری اسلامبول اعتبار بوزارت خارجه داده میشود

ماده - مبلغ نود تومان که ۵۰ تومان مقرری و ۴۰ تومان متعارج شام و نهار نیابت سوم سفارت کبری اسلامبول ماهیانه اعتبار بوزارت امور خارجه داده میشود این اعتبار از بودجه کل وزارت خارجه برگشت خواهد نمود .

رئیس - این مسئله دوم مرتبه آمده است بمجلس و بلا تکلیف مانده است باید تکلیفش معین شود یک مرتبه دیگر خوانده میشود و رأی میگیریم (مجدداً ماده فوق خوانده شد)

رئیس - آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانیکه تصویب میکنند ورقه کبود (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بطریق ذیل احصاء نمودند ورقه سفید ۴۲ ورقه کبود ۲)

رئیس - با اکثریت ۴۲ رأی از ۶۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد چون دیر وقت است اگر مخالفتی نباشد مابقی دستور مینماید برای جلسه بعد دو نفر از آقایان اجازه خواسته اند گویا مطلبی دارند دستور روز شنبه بقیه شور دوم قانون شرکتهای اربورت کمیسیون بودجه با تأشاه لندن ایضاً راجع بنظام - الممالک و یکی دیگر راجع بورا جاسفلی خان مجاهد

لواء الدوله - تقاضائی است چند نفر کرده اند تقدیم کردم .

رئیس - عالی میرزا عبدالحمیدخان مستخدم است یکدفعه رد شد دیگر نیشود جزء دستور بشود .

ادیب التجار - بواسطه شدنی کدر مسئله نان هست اگر چه این علاج فوری نمیکند ولی بجهت آینده قانون منع احتکار که تقریباً نوزده ماه است بنده پیشنهاد کرده ام یک جلو گیری است که بجهت دوره نمایندگان آتیه برای اهالی این مملکت بنده تصور میکنم و خاطر مبارک حضرت عالی (آقای رئیس) مسبوق است که چندین مرتبه یادآوری کرده ام که این را زودتر بیاورند و جزء دستور گذاشته شود و

از قراریکه فرمودند از جانب وزارت داخله تقاضا کرده اند و آن را فرستاده اند بوزارت داخله چون موقع مهم تنگ است و البته وزارت داخله هم نظر ایشان را در این مدت کرده است کمیسیون هم نظرات جدیدی ندارد تقاضا میکنم که در دستور روز شنبه بگذارید اگر ایرادی یا حائل مشکلی هم باشد در همین مجلس شورای ملی میشود و اعز اوقات این است که صرف کار ملت و مخصوصاً صرف حال فقرا و ضعیفا بشود .

رئیس - بطوریکه عرض کردم وزارت داخله خواسته بود که نظریات خودش را بکند دو سه مرتبه هم نوشته ایم اعاده نکرده اند باز هم تأکید میشود تاروز شنبه اگر اعاده ندهند میتوانیم تقاضا بکنیم که همان قانونی که از کمیسیون گذشته جزء دستور گذاشته شده مطرح مذاکره شود .

منتصر السلطان - راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی را خواستم تقاضا کنم خوانده شود .

رئیس - راجع بدستور دیگر مخالفی نیست اینهم چون یک اندازه راجع بدستور جلسات آتیه میشود قرائت میشود سکه خاطر آقایان مسبوق باشد (راپورت کمیسیون مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون عرایض و مرخصی در تحت ریاست آقای نیر السلطان در اوقات مقرر تشکیل چند فقره عرایض تلگرافی و کتبی از نقاط مختلفه مملکت به مجلس شورای ملی رسیده بود مبنی بر اینکه نظر بحالت کنونی ایران که آثار ارتجاع بکلی از میان برطرف نشده وجود مجلس از اهم فرائض مسائل اساسی مملکتی است و انتخابات آتیه هم ممکن است بطول انجامد لهذا استندهای استدامه مجلس شورای ملی را موقتاً نموده اند چون این مسئله خیلی مهم است کمیسیون عرایض و مرخصی باتفاق آراء چنین صلاح دانست که همین عرایض را با رأی راپورت تقدیم مجلس شورای ملی نموده مسئله را موقوف برای مجلس نماید

رئیس - در این باب عجالتاً مذاکره نخواهد شد اگر مخالفتی نباشد برای سه شنبه معین میکنم بوزراه هم اطلاع میدهم که افکارشان را حاضر کرده اظهار بدارند

سلیمان میرزا - هر چند مسئله نان جزء ترتیبات قانونی نیست اما وقتی که درست نگاه کنیم از نظر اتیکه راجع با اساس عموم است و بالخصوص فقرا و ضعیفان و نخبه در این موضوع وقتیکه تنگی و عسرتی وانعم میشود بیشتر متلاشند نذیرا که آن بدبخت هایک نوگری ندارند که از صبح تا غروب برود مطل شود تا برای آنها نان بخرد اگر از صبح تا غروب یک اجرتی پیدا کند که شب را راحت باشند آتیم آقایان گیرشان بیاید یا نباید بنابر این باید او را بیشتر در نظر داشت و همیشه سعی کرد که مردم در رفاه باشند امروزه با وجود اینکه هنوز راهها مسدود نشده است و با وجود اینکه دولت از اول این ماه روزی صد و پنجاه خروار گندم حواله کرده و خزانه دار کل مرتباً میرساند در صورتیکه در سالهای گذشته هم که بنده انتخاب شده بودم از مجلس از برای کمیسیون نان اطلاع دارم که هیچوقت بیشتر از صد خروار داده نشده بود یا این مساعدتی که میشود که هر روز صد و پنجاه خروار از طرف دولت داده میشود و

الحق مأمورین مالیه نهایت زحمت را کشیده اند و این مقدار جنس را حاضر کرده اند و بازم دارند میکنند راپورت نوافل را هم وقتی که شخص نگاه بکند چنانکه امروز بنده چند تایش را دیده معلوم می شود که گندم بیش از سنوات سابقه وارد میشود اما با وجود اینکه گندم باندازه کافی از اطراف وارد میشود و از طرف دولت هم تا قبل از اول این ماه روزی هشتاد خروار و از اول این ماه روزی صد و پنجاه خروار بیخیزانه داند میشود معذالك که امر نان چنانکه بر هیچک از آقایان پوشیده نیست در نهایت سختی و تنگی و بدی است که دیگر مافوق بر آن در بدی متصور نیست در صورتیکه بنده تحقیق کرده ام خزانه دار کل اجازه داده است خبازها وقتی که میبایند گندم تحویل بگیرند بیل خودشان هر نوع که میخواهند پاک میکنند بعد از پاک کردن بدون هیچ خاکی پاک کرده بآنها میدهند معذالك کلیه اگر درست تجزیه کنیم ناهای تهران راهری چیزی دارد غیر از گندم خالص این امر نان وضع سختی و تنگی و گرفتاری عموم مردم هم بر هیچک از ماها پوشیده نیست که يك نفر عله بیچاره که زحمت بکشد از صبح تا غروب که در قران یاسی شاهی اجرت بگیرد باید سه مقاب آن ناهو کش در دکان نانوائی متحمل زحمت بشود تا بتواند يك نان بدست بیاورد آن وقت چه طور آترا بخورد بجهت اینکه همه چیز دا دینیر از گندم این مطلب بنظر من بسیار مهم است و زمان میکنم تمام آقایان هم با من موافق باشند زیرا که راجع بر فراه عموم است و متأسفانه دوره انتخابات قریب باختتام است و قانون منع احتکار هنوز از جاه بیرون نیامده است و این قانون که شاید فایده بحال عموم داشت و مارا از این گرفتاری و تنگی خلاص میکرد هنوز نتوانسته ایم از مجلس بگذرانیم در هر کابینه که رفته است نظر شود همان طور از آن جا بیرون نیامده است تا این که آن کابینه تغییر کرده است حالا هم گمانم این است که اینقدر در کابینه بماند تا این که ماها دوره مان تمام بشود پس تقاضا میکنم از آقایان عموماً که این پیشنهادی را که جماعتی امضاء کرده اند تقریباً همه ماها امضاء کرده ایم مگر بعضی که نیامده اند ندیده اند این راجع باین مطلب است که چند نفر از طرف مجلس انتخاب شود که در عمل نان يك تفتیش و رسیدگی بکند که این امر نان چه معمای لاینحل شده است در صورتیکه گندم باین فراوانی و خوبی بآنها میدهند وقتی که می رود بدکان نانوائی چیز دیگری بر میگردد و آنهم باین سختی و تنگی برود رسیدگی و تفتیش بکنند که علتش چه چیز است دولت در حقیقت متحمل این ضرر شده ۱۵۰ خروار نصف خوراک تمام طهران را دولت میدهد و راه ها هم که باز است چه شده که نان باین تنگی و سختی است و مردم در این صبرت هستند دیگر آن که سعی کنند که آن قانون منع احتکار را زودتر بمجلس برساند و عموم مجلسیان را خوشوقت بکنند تا این چند جلسه دیگری که مانده بتوانند يك قانون برای رفاه عامه اهالی وضع بکنند و بیچاره فقراء و ضعیفا را از تنگی و سختی چه

امروزه چه در آینه از دست معتکربین خلاص و راحت بکنند .
رئیس - در این باب مغالمی هست (گفتند خیر)
رئیس - قبل از این که تشریف ببرید يك کمیسیون ۶ نفری معین کنید (تقاضای مزبور نیز بمضمون ذیل خوانده شد)
 ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم که نظر با اهمیت عمل نان کمیسیونی از نمایندگان معین شود که با هیئت وزراء در این خصوص داخل مذاکره شده برودی عمل نان را تصفیه نمایند (محل امضای ۲۸ نفر از نمایندگان)
حاج آقا - بنده اگر چه موقع گذشته و ذیلی دیر است با این که مطلب خیلی مهم است خیلی مختصر عرض میکنم اگر چه مطالب مهمه آنقدر هست که واقفان نمیدانم کدام يك آنها را شتوال کنم و فکر کنیم ولی مطلب مهمی که امروز برای ما پیش آمده است و اتفاق رو داده است در طرف جنوب این است که بعضی از مأمورین فرستاده اند برای مالیه جنوب و هیچ موزیر مالیه را نمیشناسیم که شتوال کنیم یا توضیح مطلب را بخواهیم که این مأمورین بتصویب کی بوده و بچه ترتیب فرستاده شده مأمورینی که میباشان معلوم است که انگلیسی هستند نمیدانم بوجه جهت این ها را امور کرده اند و بنده حالا بعرض آقایان میرسانم که در فرستادن این مأمورین اگر ملت فارس یا اصفهان مخالفت کنند یا نه پذیرند آن وقت نتیجه این چه خواهد شد و مسئول این اقدام که خواهد شد از این جهت بنده تقاضا میکنم که از طرف مجلس آقای رئیس بنویسند با آقای رئیس الوزرا که وزیر مالیه را معین کنند که کی است تا از او شتوال با استیضاح کنیم
رئیس - استیضاح را آقای حاج سید ابراهیم کردند آن روزیکه برای استیضاح حاضر میشوند ۲۰ شنبه یا ۳ شنبه باشد جنابعالی میتوانی مطالبتان را را در ضمن استیضاح بفرماید .
 مجلس ۲ ساعت از شب گذشته ختم شد)
جلسه ۳۱۷
صورت مشروح روز شنبه ۱۲ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۶
 رئیس آقای موتمن الملك يك ساعت ونیم قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نموده و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح شد - صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقایان آقاسید سید محمد رضای مساوات - حسنعلیخان - ناصرالاسلام مرضی - آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا - آقاسید محمد باقر ادیب - آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر نموده اند دکتر اسمعیل خان یکساعت ونیم معزز الملك ۵۰ دقیقه - دکتر امیر خان ۳۵ دقیقه معین الرعایا دکتر لقمان هریک نیم ساعت .
رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست -
آقاسید حسین آردبیلی - در آخر مجلس اظهاراتی شد و اینجا اشاره نشده است .
رئیس - چون اظهار آن مطلب صلاح نبود این بود که نوشته نشده است .

آقاسید غلامحسین - این جا نوشته شده است که مخالفت بنده فقط از حیث این بود که بنده این قرار داد را مخالفت با قانون محاسبات عمومی می دانستم بنده عرض کردم چون مخالفت دارد باین قوانین که سابق از مجلس گذشته است باین جهت مخالف بودم و چون دیده که تکرارش فایده ندارد این بود که اظهار نکردم و الا قانون محاسبات عمومی و قانون مصوبه ۲۳ جو زا هر دو مسئله را در نظر داشتم .
رئیس - همین طور اصلاح میشود دیگر ملاحظات نیست . صورت مجلس باین اصلاح تصویب شد قانون شرکتهای تجاری و ماده یانزدهم ماده ۱۵ - اختیارات مدیران را نمی توان بطور کلی و مبهم تعیین نمود تمام حقوق اقدامات و معاملاتی که در حدود وظائف او است باید بطور واضح در شرکت نامه معلوم شود و همچنین اگر در باب خرید و فروش اموال منقوله یا استقراض یا صلح دعوی به مدیر اختیاراتی داده میشود باید صریحاً در شرکت نامه قید شود .
رئیس - در ماده یانزدهم مخالفتی نیست ؟ (گفتند خیر .)
رئیس - - رأی می گیریم به ماده ۱۵ آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده شانزدهم خواننده میشود (بمرت ذیل خوانده شد)
 ماده ۱۶ = مدیر یا مدیران شرکت باید در رأس هر ششماه صورتی از فروش و دارائی و مطالبات شرکت ترتیب داده و تمام معاملاتی که در ظرف مدت مزبور شده است بطور راپورت بشرکاء بدهند و الا مسئول خواهند بود و هریک از شرکاء حق دارد بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه نمایند و اگر از این بابت ضرری وارد آید برعهده مدیر یا مدیران است .
حاج سید ابراهیم - يك اشکال لفظی داشتم این کلمه (و الا مسؤل خواهند بود) رابك عبارت بی نتیجه میدانم اگر مقصود اینستکه هرگاه مدیر ها در رأس ۶ ماه صورت بشرکاء ندادند هر يك از شرکاء بتوانند بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه نمایند و اگر ضرری هم وارد بیاید بهمدن مدیران است همان عبارتی که نوشته شده است که بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه میکند تا آخر ماده کفافی است و این جمله (و الا مسؤل خواهند بود فایده ندارد)
افتخار الواعظین مخبر - این مسؤلیتی را که اینجا نوشته شده است غیر از این مسئله است یعنی مسؤل خواهند بود که اگر در رأس ۶ ماه بوظیفه خودش غفل نکرد و صورتی از فروش و دارائی و مطالبات بطور راپورت بشرکاء نداد و از این بابت ضرری وارد شد آن ضرر بر ابراهیم اوست این مسؤلیت اول بعد اگر یکی از شرکاء آمد و مطالبه صورت کرد و مدیر یا مدیران مسامحه کردند در دادن صورت حق دارد آن شریک برود به محاکم عدلیه رجوع کند و بتوسط محاکم عدلیه صورتی از معاملات شرکت معالیه کند از این حیث